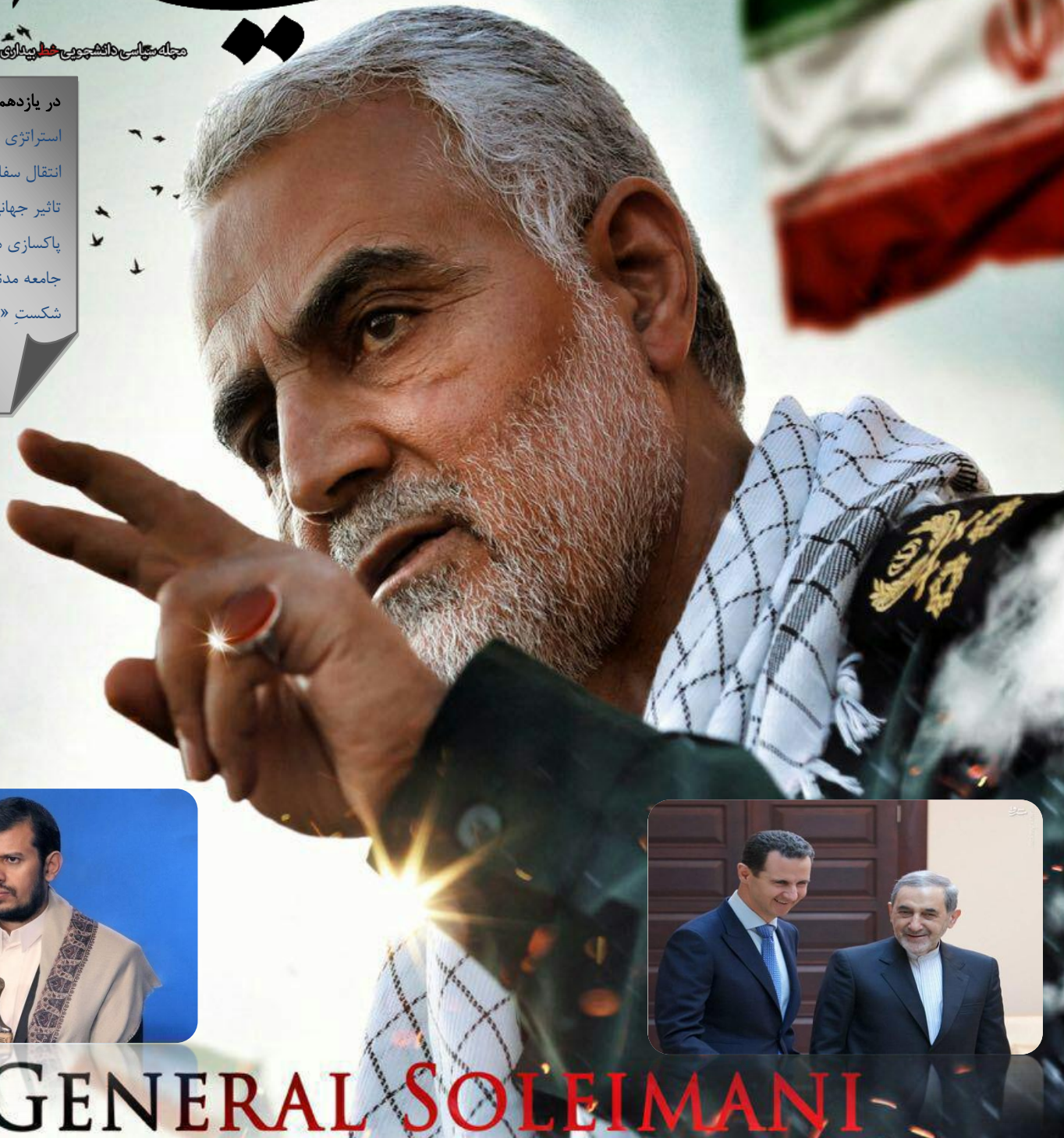


خط‌بندی

مجله سیاسی دانشجویی خط‌بندی شماره یازدهم - مرداد ۱۳۹۷

در یازدهمین شماره میخوانیم:

استراتژی جدید آمریکا در مقابل ایران
انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس
تأثیر جهانی شدن بر رشد تروریست‌ها
پاکسازی‌ها در سوریه ادامه دارد
جامعه مدنی در آسیای مرکزی
شکست «پیروزی طلایی»



GENERAL SOLEIMANI



استراتژی جدید آمریکا در قبال ایران، خروج از برجام تا ایجاد جنگ روانی و آشوب های خیابانی

مخالف با جمهوری اسلامی ایران به منظور تبدیل اعتراضات مردمی مسالمت آمیز به آشوب ها و خشونت های بعضا همراه با درگیری های مسلحانه خیابانی است. نقشه ای که از آن به عنوان فشار عملی یاد می شود. راهکار آن تقویت قوه تحلیل و محاسبه در افکار عمومی است که در صورت بروز این اتفاق، مردم راه صحیح را تشخیص دهند و با این جریان خشونت آمیز همراه نشوند. ناگفته نماند که یکی از حربه هایی که سال ها غربی ها، مخصوصا متخصص آن یعنی انگلستان بر روی کشورهای خاورمیانه پیاده سازی کرده اند، حربه ایجاد شکاف و اختلاف میان قومیت ها و مذاهب مختلف در کشور هاست. کشور ما هم از این نوع حربه در امان نبوده است. از اختلاف افکنی های مذهبی در شرق و غرب کشور گرفته است تا ایجاد گسست های قومی در شمال و جنوب ایران. راهکار مقابله با این حربه جلوگیری از دودستگی ها و اختلافات میان اقوام و مذاهب و دعوت آنها به حفظ وحدت و دوستی است. آمریکا و متحدانش، بعد از به کارگیری این نقشه ها و حربه ها انتظار دارند که میان حاکمیت و مردم ایران گسست ها و دوگانگی هایی ایجاد شود تا از این طریق بتوانند اعتماد مردم ایران را از نظام ایران سلب کنند و ایران را به پای میز مذاکره آورند و خواسته های خودشان را به نظام و ملت ایران تحمیل کنند. اما آنچه که از عمق استراتژی آمریکا می توان دریافت این است که در نهایت کار به دنبال تجزیه و پاره پاره کردن کشور ایران هستند که ان شاءالله با بصیرت مردم و همچنین پشتکار و همت مسئولین جمهوری اسلامی ایران این خواب را همراه خود به گور خواهند برد.

محسن رضایی (کارشناسی علوم سیاسی)

ایران فراهم می شود. به این ترتیب اقتصاد ایران بی ثبات شده و تعادل خود را از دست خواهد داد و فضای کسب و کار و درآمد مردم تهدید می شود. طبیعتا ملت ایران، مخصوصا اقشار کم درآمد و بی بضاعت جامعه بیشترین آسیب را در این زمینه خواهند دید که اثر این جنگ، به ستوه آمدن مردم و گله مند شدن آنان است. راهکارهایی که برای خنثی سازی این جنگ تمام عیار وجود دارد، عبارت است از: باور و اعتماد به ظرفیت ها و پتانسیل های داخلی و ایجاد زمینه های لازم برای خودکفایی در بخش های مختلف و بهره گیری از منابع خارجی غیر از اروپا و آمریکا. نقشه دیگر آمریکا، افزایش فشارهای روانی و ادراکی بر مردم ایران است. هدف در این نوع نقشه، ظهور و بروز و رواج نارضایتی ها و اعتراضات مردمی ناشی از بی ثباتی اقتصاد ایران است. همچنین هدف دیگر آن است که نقاط قوت و اقتدار آفرین جمهوری اسلامی ایران را مانند قدرت بازدارنده موشکی و دفاعی اش و حضور فعال ایران در منطقه را با کمک تبلیغات و القانات شبانه روزی شان، تبدیل به نقاط چالش برانگیز و غیر ضروری جمهوری اسلامی کنند، که در نهایت ملت ایران به این نتیجه برسد که نیازی به قدرت دفاعی و بازدارنده ای در منطقه پر آشوب و ناامن خاورمیانه ندارد! راهکار مقابله با این نقشه آن است که افکار عمومی مردم ایران، نسبت به وجوب و ضرورت حفظ و توسعه قدرت موشکی جمهوری اسلامی ایران آن هم در منطقه ای که به طور میانگین بیست پایگاه نظامی آمریکا اطراف ایران را احاطه کرده اند و ایران دائما از سوی قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای تهدید می شود، تنویر و آگاه شود، که لازمه ی این آگاهی افکار عمومی ایفای نقش پررنگ رسانه ها می باشد. نقشه بعدی، به کارگیری و بهره کشی از عناصر داخلی و عوامل نفوذی

تقریبا دو ماه پیش یا به طور دقیق ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ بود که آمریکا پس از کش و قوس های فراوان و نقض های مکرر، به طور رسمی خروج خود را از برجام اعلام کرد. بعد از این اقدام، یکی از سؤال های اساسی که ذهن تحلیلگران را به خود جلب کرده است، استراتژی و راهبرد جدید آمریکا در قبال ایران است. راهبرد جدید آمریکا در قبال ایران، نقشه راهی است که با همکاری تنگاتنگ دو شخصیت ضد ایرانی کابینه امنیتی ترامپ، یعنی جان بولتون، مشاور امنیت ملی ترامپ و مایک پمپئو وزیر امور خارجه و رئیس پیشین سازمان سیا تهیه و تدوین شده است. واژگانتن بر این باور است، با تهدیدها و اعمال تحریم های فزاینده علیه ایران، تهران بیش از دو گزینه پیش روی خود نخواهد داشت: گزینه اول: یا آنکه مجبور خواهد شد بر سر میز مذاکرات برگردد و این بار به خواسته های بیشتری از آمریکا تن دهد. که در این صورت تغییر در رفتار و ساختار سیاسی ایران با سرعت بیشتری محقق خواهد شد. گزینه دوم: یا آنکه به خواسته ها و انتظارات آمریکا تن نمی دهد و مقاومت می کند. به طور معمول، با توجه به خوی استعمارگری و سلطه جویی آمریکا، این گزینه مورد نظر و پذیرش ایالات متحده نخواهد بود و طبیعتا برای اینکه ایران را تسلیم و تضعیف کند، در راستای رسیدن به این هدف از نقشه ها و راهکارهایی استفاده خواهد کرد. سوال مهم این است که آمریکا از چه نقشه ها و ابزارهایی برای فشار علیه ایران استفاده خواهد کرد؟ نقشه ها و ابزارهای متفاوتی را می توان متصور شد، اما یکسری از آن ها از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. یکی از آن نقشه ها، جنگ اقتصادی علیه مردم ایران است. به این صورت که با وابسته تر شدن هرچه بیشتر اقتصاد ایران به اقتصاد غرب و اقتصاد نفتی، زمینه ایجاد تحریم های هوشمندانه و هدف دار غربی ها علیه



طالبان؛

مسلماً پاسخ تحلیلگران به این پرسش منفی است. آنها معتقدند نامی‌ها از منطقه خاورمیانه در حال انتقال به آسیای شرقی منطقه تبت است که به نظر برخی چین و به نظر برخی دیگر روسیه را هدف گرفته‌است. در این بین افغانستان، به جهت موقعیت جغرافیایی، منابع ثروت و همچنین شکل‌گیری گروه‌های افراطی مذهبی و رادیکالیسم سیاسی در این منطقه نقش اساسی را می‌تواند ایفا کند. حال این داعش است که در افغانستان علم برافراشته و از ضعف حکومت و نیروی نظامی افغانستان بهره می‌جوید و ورود داعش به این منطقه اما واکنش طالبان افغانستان را در پی داشت. همانطور که گفته شد بین این دو گروه تفاوت‌های اساسی وجود دارد که در برخی موارد به تضاد و اختلاف نظر شدید بین آنها منجر می‌شود. از جمله این تفاوت‌ها تکفیری بودن داعش است، در حالی که طالبان به شدت با این موضوع مخالف است. جدای از تفاوت در نگاه مذهبی، ورود داعش به منطقه به جهت تسلط بر منابع ثروت موجود، طالبان را که تاکنون انحصار این منابع را در اختیار داشته به واکنش وا می‌دارد و نتیجه این واکنش، جنگ میان این دو گروه است.

نکته قابل توجه در مورد طالبان و داعش، پیوستن عناصر طالبان به داعش است. از طالبان افغانستان معدود فرماندهانی هستند که به داعش پیوسته‌اند. اما نکته اصلی، طالبان پاکستان است. طالبانی که در جریان جنگ در ولایت ننگرهار گروه بزرگی را به یاری داعش فرستاده و اعلام داشت داعش هر زمان و هر کجا که نیرو بخواند، طالبان پاکستان کمک خواهد کرد. به طور کلی، طالبان پاکستان به دلیل هرج و مرج پیش آمده در درون تشکیلات، همچنین ضعف در مقابل ارتش پاکستان، حال تن به لوی داعش داده، با اسم و پرچم داعش وارد افغانستان شده و به فعالیت‌های تروریستی خود ادامه می‌دهد که این خود اهرمی قابل ملاحظه برای کمک به پیشروی داعش است.

انتقال نامی از غرب به شرق ایران دارای پیام روشنی است؛ پیام قدرت و نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه و شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه. اما تاریخ را نباید تکرار کرد. نکند مثال پیروزی‌های ایران در منطقه به مثال جنگ بدر تبدیل شود و کار را تمام شده بدانیم! مسلماً نیروهای امنیتی ایران نیز شاهد تحولات اخیر بوده و به حول و قوه الهی این تحولات را نیز همچون داعش و باقی عواملی که به دنبال نام‌سازی کشورمان هستند، در نطفه خفه خواهند کرد.

سید رضا میر رضایی (کارشناسی مدیریت)

نامی آشنا که یادآور ظلم بر مردم پاکستان و افغانستان و البته کشتار دیپلمات‌های ایرانی در مزار شریف است. گروهی اسلام‌گرا و تندرو که از سال ۱۹۹۴ همزمان با جنگ‌های داخلی در افغانستان شروع به شکل‌گیری کرده و به دلیل خوشبینی مردم افغانستان مبنی بر اینکه طالبان می‌تواند به جنگ‌های داخلی این کشور پایان بخشد، به سرعت در جنوب افغانستان اقدام به پیشروی کرد. تا جایی که تا سال ۱۹۹۶ موفق به اشغال کابل گشت، در نتیجه اعلام حکومت کرده و حکومت خود را امارت اسلامی افغانستان نام نهاد.

حکومتی که تنها سه کشور پاکستان، امارات متحده عربی و حامی همیشگی تروریسم، عربستان سعودی، آن را به رسمیت شناختند. این حکومت نوپا اما عمر کوتاهی داشت. با حضور متهم اصلی حملات یازدهم سپتامبر، اسامه بن لادن، در خاک افغانستان و در نتیجه‌ی حمله ناتوی آمریکایی به این کشور، امارت اسلامی افغانستان سقوط کرده و دولت حامد کرزی جانشین آن شد. حکومت ساقط شده طالبان در افغانستان شروع به ایجاد ناامنی کرد. دولت موقت کرزی و ناتو جز به تماشا نشستن کاری از پیش نبرده و از تأمین افغانستان عاجز ماندند. تا آنکه پیشروی‌های طالبان در جنوب افغانستان و شمال پاکستان باعث شد این گروه در سال ۲۰۰۷ مبارزه مسلحانه خود را علیه پاکستان نیز شروع نماید. در همین حین جنبش طالبان پاکستان شکل گرفت.

فعالیت‌های همسایگان شرقی کشور ادامه داشت، تا در سال ۲۰۱۴ در مناطق شمالی عراق و شرق سوریه، خون‌آشامانی به نام داعش ظهور کردند. رهبر آنها، ابوبکر البغدادی، عنصری جدانشده از القاعده بود و ظاهراً ارتباطی بین داعش و طالبان دیده. نه تنها ارتباطی بین آنها نیست بلکه تفاوت‌های اساسی نیز دارند به هر حال داعش نیز فعالیت‌های خود را در غرب ایران شروع کرد، در مدت زمان اندکی موفق به پیشروی‌های دستاوردهای بزرگی شد و به بمب رسانه‌ای آن سال‌ها در تمام دنیا تبدیل گشت. پیشروی‌های داعش، به عنوان اصلی‌ترین اهرم آمریکا در جهت پیشبرد سیاست ناامن‌سازی خاورمیانه، ادامه داشت تا آنکه ائتلافی متشکل از نیروهای ایرانی، عراقی، سوری و روس علیه این گروه شکل گرفت و نهایتاً در ۳۰ آبان ۹۶ پایان سيطرة آنها در نامه سردار سلیمانی به امام خامنه‌ای اعلام شد. اما آیا این پایان نامی‌ها در همسایگی کشورمان بود؟

حمله تند سردار سلیمانی به گانگستر آمریکا

آقای ترامپ مرد این میدان ما هستیم برای شما. شما میدانید این جنگ یعنی نابودی همه امکانات شما. این جنگ را شما شروع می‌کنید اما پایان جنگ با ما است. ایران نمی‌خواهد، من حریف تو هستم، نیروی قدس حریف شماست. هیچ شبی نیست که ما نخوابیم و به شما فکر نکنیم.

شما بعد از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۸ با ۱۱۰ هزار سرباز چه غلطی کردید؟

هیچ شبی نیست که ما نخوابیم و به شما فکر نکنیم.

ایران نمی‌خواهد؛ نیروهای نظامی ایران نمی‌خواهد؛ من حریف تو هستم، نیروی قدس حریف شماست.

تو ما را تهدید می‌کنی به این که اقدامی انجام می‌دهی که در دنیا سابقه ندارد؛ این ادبیات کبابه است.

از فرماندهان و سیاستمداران خود بپرسید، از سازمان‌های امنیتی خود بپرسید و حرف‌های ندانسته را به زبان جاری نکن.

شما چه می‌توانستید بکنید که در طول این ۲ سال نکردید شما با ده‌ها دستگاه تانک و نفربر و صدها فروند هلیکوپترهای پیشرفته آمدید به افغانستان و جنایت‌هایی انجام دادید. از هیچ جنایتی فروگذار نکردید. عروسی‌ها را به خاک و خون کشیدید.

شما بعد از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۸ با ۱۱۰ هزار سرباز چه غلطی کردید؟

امروز دارید پیش طالبان التماس می‌کنید برای گفتگو. فرمانده آمریکایی آمد پیش من و از ما خواهش کرد با مجاهدین عراقی گفتگو کنیم. شما در ۳۰ آبان چه غلطی کردید؟ غیر از این است که شروط حزب الله برای پایان جنگ را پذیرفتید؟

جنایت‌هایی که انجام دادید در قرون وسطی سابقه نداشت.

ادبیات ترامپ ادبیات کبابه‌های در قمارخانه‌ها است

دولت ترامپ از هیچ تلاشی در انجام جنایت فروگذار نمی‌کند و بهترین دلیل آن قرار گرفتن در کنار رژیم صهیونیستی و ارتکاب جنایت است.

دریای سرخ که امن بود، امروز دیگر برای حضور آمریکایی‌ها امن نیست. نیروی قدس حریف نظامیان آمریکایی است؛ به ترامپ توصیه می‌کنم که از روسای جمهور قبل خود عبرت گرفته و از تجارب آنها استفاده کند.

آمریکا امروز زباله‌هایی مثل منافقین که از داخل ایران به بیرون پرت شده‌اند را در آغوش گرفته است.

انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به بیت المقدس؛ رویکرد اتحادیه اروپا به این مسئله و پیامد تقابل اروپا و آمریکا

پایتخت اسرائیل، کشورهای منطقه را به آرامش دعوت کرد.

رئیس جمهور فرانسه عنوان کرده بود: «این تصمیمی ناگوار و بر خلاف تمام قطعنامه‌های شورای امنیت است و فرانسه آن را تأیید نخواهد کرد. بیت المقدس (اورشلیم) باید در چارچوب مذاکرات صلح اسرائیل و فلسطین برای تشکیل دو کشور باشد.

پیش‌تر نیز مقامات اتحادیه اروپا موضع رسمی خود را نسبت مسئله قدس اعلام کرده بودند. در بیانیه‌ای که در تاریخ ۲۳ آذر ۱۴/۹۶ دسامبر ۲۰۱۷ از روسای جمهور و نخست وزیران ۲۸ کشور اروپایی صادر شد مجدداً انتقادهایی از تصمیم دونالد ترامپ مطرح گشت و تأکید کردند که پس از تصمیم دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، مبنی بر به رسمیت شناختن شهر قدس به عنوان پایتخت اسرائیل، موضع این اتحادیه نسبت به مسأله قدس "ثابت" می‌ماند. دونالد تاسک، رئیس شورای اروپا، در توییت نوشت: «طی نشست سران اروپا در بروکسل، رهبران اتحادیه اروپا مجدداً بر پایداری محکم خود نسبت به راهکار تشکیل دو کشوری تأکید کرده و در این چارچوب، موضع اتحادیه اروپا نسبت به قدس ثابت می‌ماند.» پیش از این نیز فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجه اتحادیه اروپا، گفته بود که این تصمیم ترامپ ممکن است منطقه را به زمان‌های تاریک‌تری برگرداند. مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا اعلام کرده بود که کشورهای این اتحادیه سفارت خود را از تل آویو به قدس انتقال نخواهند داد. اتحادیه اروپا و سازمان ملل به آمریکا هشدار دادند که تصمیم دونالد ترامپ بر روند صلح تأثیر منفی می‌گذارد و چشم انداز صلح اعراب و اسرائیل را به خطر می‌اندازد.

فدریکا موگرینی در یک کنفرانس خبری در تاریخ ۲۱ آذر ۱۲/۹۶ دسامبر ۲۰۱۷ گفته بود: «من می‌دانم که بنیامین نتانیاهو چندین بار گفته‌است که انتظار دارد دیگران نیز همچون دونالد ترامپ عمل کرده و سفارتخانه‌های خود را به قدس انتقال دهند. نتانیاهو می‌تواند انتظار چنین امری را از دیگران داشته باشد اما این مسأله از سوی کشورهای عضو اتحادیه اروپا رخ نخواهد داد.»

آنچه در این بین حائز اهمیت است، تقابل سیاست‌های اتحادیه اروپا و آمریکا است. آمریکایی که شریک راهبردی اتحادیه اروپا محسوب می‌شود ولی با روی کار آمدن ترامپ این شراکت راهبردی و همکاری در سیاست خارجه اتحادیه اروپا و آمریکا گویا دچار لطمه‌ی سنگینی گشته است. در این بین اتحادیه اروپا به نظر می‌رسد در تلاش است تا وابستگی خود به آمریکا را کاهش دهد و سیاست‌هایی که اتخاذ می‌کند، همسو با آمریکا نیست. تصمیمات دونالد ترامپ در مدت زمانی که به ریاست جمهوری انتخاب شده است سبب شده علاوه بر افول اعتبار این کشور به هژمونی آن نیز ضربه وارد شود. متحدین اروپایی آمریکا به سمت خود اتکالی امنیتی پیش رفته و شکاف عمیقی میان آن‌ها و آمریکا ایجاد شده است.

اکنون به مدد سیاست‌های دونالد ترامپ برای اولین بار شاهد هستیم که دولت‌های اروپایی توانسته‌اند به سندهایی برای همکاری دست یابند و این گامی بزرگ برای استقلال امنیتی اروپا از آمریکا است.

پس از اقدام به انتقال سفارت ایالت متحده از تل آویو به بیت المقدس مخالفت‌ها با این تصمیم شروع شد که برجسته‌ترین آن‌ها مخالفت مقامات اتحادیه اروپا و کشورهای عضو این اتحادیه بودند که روابط تاریخی با ایالات متحده داشتند اما اکنون و با روی کار آمدن دونالد ترامپ به تعارضات راهبردی برخورد کرده بودند. این در حالی است که در روز افتتاح سفارت جدید آمریکا در بیت المقدس سفرای اروپایی این مراسم را تحریم کرده بودند. ترزا می، نخست وزیر بریتانیا، اعلام کرد که همواره با این تصمیم ایالات متحده آمریکا مخالف بوده است و بریتانیا هیچ برنامه‌ای برای انتقال سفارتخانه خود از تل آویو به بیت المقدس ندارد. سخنگوی ترزا می نیز عنوان داشته بود: «ما در مورد تصمیم انتقال سفارت آمریکا به اورشلیم و شناسایی اورشلیم به عنوان پایتخت اسرائیل پیش از توافق در مورد موقعیت نهایی آن، با آمریکا اختلاف نظر داریم.»

جرمی کوربین، رهبر حزب کارگر بریتانیا، نیز اقدام آمریکا را «تهدیدی برای صلح» در منطقه دانسته بود. ژان ایو لودریان، وزیر خارجه فرانسه، این تصمیم ایالات متحده را «تفرض قوانین بین‌المللی به ویژه قطعنامه‌های شورای امنیت» خواند و از مقامات اسرائیل و فلسطین خواست تا در مورد این



مسأله مسئولانه عمل کنند. وی در ادامه افزود که مسأله انتقال سفارت به بیت المقدس سبب تنش‌های سنگین در منطقه خواهد شد. وزیر خارجه فرانسه، با تقیح تصمیم آمریکا در انتقال سفارت این کشور به قدس گفت: «واشنگتن با این اقدام قوانین بین‌المللی به ویژه قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل را نقض کرده است.» وی همچنین اظهار داشت پاریس از همه طرف‌ها می‌خواهد تا با نشان دادن مسئولیت خود در این خصوص از تنش‌های جدید پرهیز کنند. فرانسه همچنین از مقامات اسرائیل خواست تا استفاده از زور را به شدت متناوب و محدود کنند.

ماریا آدبر، سخنگوی وزارت امور خارجه آلمان، نیز با تأکید بر این مسأله که کشورش همچنان مخالف این تصمیم ایالات متحده است، گفت: «ما و اتحادیه اروپا همچنان بر این باوریم که این اختلاف تنها با توافق دوجانبه حل خواهد شد و در همین راستا بیت المقدس باید به عنوان پایتخت هر دو کشور اسرائیل و فلسطین شناخته شود.»

پیش از اجرای روند انتقال سفارت از تل آویو به بیت المقدس امانوئل ماکرون، رئیس جمهوری فرانسه، با ابراز نگرانی از تصمیم احتمالی دونالد ترامپ نسبت به انتقال سفارتخانه ایالات متحده به بیت المقدس در یک کنفرانس خبری با «یک‌جانبه» خواندن تصمیم دولت آمریکا مبنی بر به رسمیت شناختن بیت المقدس بعنوان

در ۶ دسامبر ۲۰۱۷، رئیس جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، به طور رسمی به رسمیت شناختن بیت المقدس را به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی توسط ایالات متحده اعلام کرد. این اقدام، برخلاف نزدیک به هفت دهه سیاست خارجی آمریکا و برنامه‌ریزی این کشور برای انتقال سفارت در اسرائیل، از تل آویو به بیت المقدس صورت گرفت. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، با استقبال از این تصمیم آن را ستایش نمود. در ۲۳ فوریه ۲۰۱۸، وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد که سفارت جدید در ماه مه افتتاح خواهد شد. این اقدام مورد انتقاد اکثر رهبران بین‌المللی از جمله مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا قرار گرفت. در فوریه سال ۲۰۱۸، دولت آمریکا اعلام کرد که سفارت خود را در ساختمان اداره کنسولگری ایالات متحده در محله جنوبی اورانوس در ماه مه سال جاری افتتاح خواهد کرد. این اقدام همزمان با هفتادمین سالگرد تأسیس دولت اسرائیل بود که در فلسطین به نام روز "لکبت" شناخته می‌شود. بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی، در سخنرانی خود در مراسم افتتاح سفارت، ایالات متحده آمریکا را «بهترین دوست و متحد اسرائیل» خواند. وی ضمن تشکر از دونالد ترامپ، خانواده او و دیگر شرکت‌کنندگان مراسم، از حضار خواست که این روز را بخاطر بسپارند؛ چرا که از نظر او «یک اتفاق تاریخی» به وقوع پیوسته است. مراسم انتقال سفارت که در تاریخ ۱۴ مه ۲۰۱۸ برگزار شد، با خشونت شدیدی در نوار غزه همراه بود که منجر به شهادت دستکم ۶۰ فلسطینی توسط نیروهای امنیتی رژیم صهیونیستی شد. همچنین بیش از ۳۰۰ نفر از تظاهرات‌کنندگان نیز زخمی شدند که در روزهای بعد با شهادت شدن تعدادی از زخمی‌ها، مجموع شهدا به ۶۵ نفر افزایش یافت. اقدام ایالات متحده در انتقال سفارتش از تل آویو به قدس با محکومیت جهانی مواجه شد.

این تصمیم دونالد ترامپ، بر سبب‌های تقابل‌های آمریکا و اتحادیه اروپا از زمان تکیه وی بر صندلی ریاست جمهوری کاخ سفید افزوده است. مواضعی که ترامپ در سیاست خارجی ایالات متحده اتخاذ کرده است بعضاً در تقابل با سیاست اتحادیه اروپا بوده، موجب اختلافاتی میان روابط آمریکا و اتحادیه اروپا شده و خواه یا ناخواه این فضا را ملتهب و وارد مرحله نوینی کرده است. فارغ از هرگونه نتیجه، اقدامات او می‌تواند نقطه عطفی در روابط بین‌المللی باشد و تکلیف نظام آتی بین‌المللی را در دوره پسا دو قطبی و جنگ سرد که طرف دو دهه و نیم اخیر تا حدود زیادی بالاتکلیف مانده است، روشن کند. هم‌اکنون جهانیان در انتظار چگونگی طی فرآیندهای تصمیمات و نتایج اقداماتی که این بیزینسمن گستاخ شروع کرده است، هستند.

مسئله‌ی انتقال سفارت ایالات متحده از تل آویو به بیت المقدس برخلاف قطعنامه مصوب شورای امنیت سازمان ملل متحد (قطعنامه ۲۳۳۴) در ۲۳ دسامبر سال ۲۰۱۶ است که در آن تأکید شده است "هیچ تغییری در مرزهای قبل از چهارم ژوئن ۱۹۶۷ از جمله در رابطه با بیت المقدس به رسمیت شناخته نخواهد شد، مگر اینکه طرف‌ها در مذاکرات بر سر آن به توافق برسند". علاوه بر مخالفت‌های اتحادیه اروپا، مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۱ دسامبر سال جاری میلادی با ۱۲۸ رای موافق، ۹۰ مخالف و ۳۵ رای ممتنع، پیش‌نویس قطعنامه مربوط به وضعیت قدس را علیه اقدامات یکجانبه ترامپ به تصویب رساند. ۲۱ کشور نیز در این رای‌گیری شرکت نکردند. کشورهای مخالف با این قطعنامه آمریکا، گواتمالا، هندوراس، جزایر مارشال، میکرونزی، نانائو، پالائو، توگو و رژیم صهیونیستی بودند.

تأثیر جهانی شدن بر رشد و گسترش گروه‌های تروریستی نوین (با اشاره به دو رویکرد افراطیون و شک‌گرایان در مورد جهانی شدن)

با ورود به عرصه جهانی شدن شاهد تحولات و تغییراتی اساسی و چشمگیر در حوزه روابط بین‌الملل بوده‌ایم. دیگر دولت‌ها تنها بازیگران اصلی عرصه بین‌الملل محسوب نمی‌شوند، بلکه کنشگران غیردولتی نیز به نوبه خود ایفای نقش می‌نمایند. یکی از کنشگران غیردولتی در این عرصه، گروه‌های تروریستی و سلفی-تکفیری مثل القاعده و داعش و ... هستند، که نه تنها معضل و چالشی سخت بر علیه کشورهای خاورمیانه می‌باشند، بلکه تمامی جهان را تحت تأثیر قرار داده‌اند. آنها از این وضعیت استفاده کرده و به رشد و گسترش و جذب افراد از اقصی نقاط عالم پرداخته‌اند. هدف از نوشتن این یادداشت، بررسی چگونگی شکل‌گیری این پدیده نو و بی‌سابقه در بستر جهانی شدن است و جهانی شدن دارای چه ویژگی‌هایی است که باعث رشد سریع این گروه‌های سلفی-تکفیری جدید شده‌است. ایجاد سیستم ارتباط جهانی و کاهش نفوذ دولت‌ها، دو علت مهم در این زمینه است، که در ادامه بحث بطور مفصل‌تری به این علل پرداخته خواهد شد. در ادامه نیز به بررسی دو دیدگاه مختلف (دیدگاه افراطیون در مقابل شک‌گرایان) خواهیم پرداخت و جهانی شدن را از منظر آنان مورد بررسی قرار خواهیم داد. در بررسی علل شکل‌گیری گروه‌های سلفی-تکفیری با پرسش‌هایی روبرو می‌شویم که پاسخ به آنها می‌تواند در راستای شناخت ما نسبت به اینگونه پدیده‌های بی‌سابقه و گروه‌های تروریستی مفید واقع شود. (۱) گسترش سیستم ارتباطی در رشد گروه‌های تروریستی جدید چقدر تأثیر داشته است؟ (۲) دولت‌ها برای مقابله و از بین بردن اینگونه گروه‌های سلفی-تکفیری چه میزان حائز اهمیت‌اند و چه اقداماتی را می‌توانند انجام دهند؟

قبل از اشاره به دو دیدگاه افراطیون و شک‌گرایان در مورد پدیده جهانی شدن ذکر نکاتی الزامی است، که ما را با مشخصه‌های اصلی جهانی شدن آشنا می‌سازد؛ جهانی شدن همانند دو روی یک سکه است، که هم می‌تواند برای ما فرصت ایجاد کند و هم می‌تواند چالش و تهدیدی بر علیه ما باشد. «جهانی شدن تناقضات بسیاری را در مقابل دیدگان ما می‌گذارد، بدین معنی که در حالیکه این پدیده گسترش دوستی همسویی‌ها و عناصر مشترک بشری را به معرض نمایش می‌گذارد، در ضمن بیانگر تنشها، اختلافات و نابرابریها نیز است.» (قوام، ۱۳۹۰: ۷-۸)



عصر اطلاعات بوده‌ایم که این ویژگی‌ها باعث بروز هویت‌های پویا (جهت‌دار) شده‌است. هویت‌هایی که توسط گروه‌های سلفی-تکفیری در فضاهای مجازی ساخته می‌شود و در باورهای تاریخی ریشه دارند. هویت‌هایی که در برابر جهانی شدن مقاومت می‌کنند و درصدد گسترش و تبلیغ عقاید خود در فضاهای مجازی برمی‌آیند و بدون وجود زیرساخت‌های ارتباطی هرگز نمی‌توانستند بدین گونه، عقاید و ارزشهای خود را ترویج دهند. در واقع جنبش‌های اینگونه (جنبش‌های مقاومت)، بواسطه فضای مجازی و زیرساخت‌های ارتباطی توانسته‌اند از هویت‌های مقاومت به هویت‌های پویا تغییر شکل دهند و قدرت تأثیرگذاری بر روی افراد و جذب آنان را در اقصی نقاط عالم در پی داشته‌باشند

حالی که به مقایسه دو دیدگاه افراطی و شکاکی در مورد جهانی شدن و تأثیر آن بر روی پیدایش گروه‌های تروریستی نوین خواهیم پرداخت. از دیدگاه افراطیون مشخصه دیگر جهانی شدن، کم‌رنگ شدن و تضعیف نقش دولت‌ها در عرصه جهانی است. در عصر جهانی ما شاهد قوت یافتن تلاش‌های فردی و تضعیف نهادهای اجتماعی و سیاسی مثل دولت‌ها هستیم. در واقع افراد در برابر قدرت دولت‌ها مقاومت می‌کنند، به نوعی می‌توان گفت قدرت متمرکز به قدرتی پراکنده تبدیل شده‌است و در این میان قدرتهایی که در حاشیه قرار گرفته‌اند در اولین فرصت به مقابله با دولت‌هایشان می‌پردازند. دولت نوپا و ضعیف عراق بعد از سقوط صدام حسین و وجود اختلافات قومی و مذهبی باعث شکل‌گیری داعش در عراق شد و در این میان افراد حزب بعث هم که بعد از سقوط صدام حسین در حاشیه قرار گرفته بودند از این فرصت استفاده کرده و به داعش پیوستند. همچنین شرایط هرج و مرج در سوریه، جنگ داخلی و تضعیف دولت این کشور نیز باعث گسترش این پدیده در سوریه گردید. در واقع قدرت حکومت‌های ملی از دیدگاه افراطیون

امید هراتی (کارشناسی علوم سیاسی)

پاکسازی مناطق جنوبی سوریه

منطقه عملیاتی در جنوب سوریه شامل استان‌های سویدا، درعا و قنيطرة می‌باشد. از بین این سه استان، استان درعا از اهمیت خاصی برخوردار است. استان درعا در جنوب کشور سوریه قرار دارد و با کشور اردن هم‌مرز است. درعا یکی از مهمترین مراکز تروریست‌ها می‌باشد که جرقه‌های اولیه ی فتنه سوریه در آنجا زده‌شد. از دیگر دلایل اهمیت این شهر این است که بعد از پاکسازی حلب، تروریست‌ها قصد داشتند تا شهر درعا را جایگزین حلب نمایند و آن را پایتخت خود اعلام کنند. بعد از پاکسازی غوطه شرقی یکی از اهداف ارتش سوریه پاکسازی مناطق جنوبی بود. به‌همین دلیل تجهیزات و تسلیحات سنگین نظامی به مناطق جنوبی اعزام شد. با اینکه تدارکات نظامی آماده بود ولی به دلایل سیاسی (در ادامه یادداشت به اهمیت آن اشاره خواهیم کرد) آغاز این عملیات چندین هفته به عقب افتاد.

در تاریخ یکم تیر ماه عملیات پاکسازی مناطق جنوبی از شرق استان درعا با آزادسازی لجه به صورت غیررسمی آغاز شد با آزادسازی لجه، مناطق مهم و کلیدی بصرالحریر (نام این منطقه باعث شد تا یادی کنیم از شهادهای مدافع حرم لشکر فاطمیون، که در سال ۱۳۹۴، در منطقه بصرالحریر عملیاتی را آغاز کردند اما متأسفانه دشمن از آن آگاه بود و تعداد زیادی از این عزیزان به همراه چند تن از مستشاران ایرانی به شهادت رسیدند)، ملیحه العطش و حرار نیز آزاد شدند تروریست‌ها در مناطق بصرالحریر و ملیحه العطش به شدت مقاومت کردند؛ چرا که آنها می‌دانستند که با از دست‌دادن این دو منطقه مهم، باید فاتحه دیگر مناطق جنوب را بخوانند و همین‌طور هم شد. با پیشروی‌های سریع ارتش سوریه در مناطق نام برده، تروریست‌های حاضر در شهرک‌هایی همچون داعل، ابطع و طفس با مذاکره تسلیم شدند و بدون هیچ درگیری این مناطق را تحویل دادند و اکنون منتظر از راه رسیدن اتوبوس‌های سبز مشهور برای انتقال به شمال سوریه (استان ادلب) هستند نکته‌ی مهم این است که زیرساخت‌های موجود در استان ادلب محدود می‌باشد و توانایی پاسخگویی این حجم از مهاجرین را ندارد. همچنین در روزهای اخیر، شاهد عملیات‌هایی در این منطقه توسط هسته‌های خفته‌ی داعش بودیم که این عملیات‌ها، نشان‌دهنده‌ی آن است که تروریست‌های موجود در ادلب یک‌دست نیستند و در آینده درگیری‌های شدیدی بین آن‌ها به‌وجود خواهد آمد.

پیشروی‌های ارتش سوریه به حدی سریع بود که تمام رسانه‌ها از آن شگفت‌زده شده‌اند. مقامات رژیم صهیونیستی نیز مثل همیشه نسبت به قدرتمند شدن محور مقاومت احساس خطر کردند و در مصاحبه با رسانه‌ها ابراز نگرانی خود را آشکارا بیان نمودند

گاردین، به نقل از مقامات رژیم صهیونیستی و کارشناسان امور خاورمیانه می‌گوید

تهدیدات علیه اسرائیل هیچگاه تا حد همه‌جانبه نبوده‌است. ابراهام سیاهی در اطراف مرزهای اسرائیل تشکیل شده‌است که حیات اسرائیل را تهدید می‌کند. در قلب همه این تهدیدات نام ایران دیده می‌شود. حکومت مذهبی شیعه حاکم بر ایران، به ناپودی اسرائیل سوگند خورده و اسرائیلی‌ها آن‌را به‌عنوان رجز خوانی به حساب نمی‌آورند. در ادامه گزارش،

مشاور پیشین امنیت ملی اسرائیل: ایرانی‌ها، سد را در جنگ پیروز کرده‌اند و اکنون هدف بعدی آنها اسرائیل می‌باشد

المیادین، به نقل از وزیر امنیت داخلی اسرائیل: رئیس‌جمهور سوریه در حال نزدیک شدن به پیروزی نهایی در مقابل مخالفان مسلح است و ما در حال بازگشت به وضعیت سابق هستیم لیبرمن، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی، تأکید کرد، اسرائیل به ایران اجازه نخواهد داد از سوریه به عنوان "سر پلی" برای راه‌اندازی حملات علیه اسرائیل استفاده کند.

البته مقامات رژیم غاصب فقط نگرانی خود را از طریق رسانه بروز ندادند و پایگاه تیغور واقع در شرق حمص را در ۱۸ تیر از طریق آسمان لبنان مورد حمله هوایی قرار دادند

تروریست‌هایی که تا قبل از آغاز این عملیات مشغول رجز خوانی، رژه مدافعین و تشکیل اتاق عملیات مشترک بودند، حال به‌دلیل شکسته‌شدن ناگهانی خطوط دفاعی و تسلیم شدن در برابر ارتش سوریه یکدیگر را به خیانت متهم می‌کنند

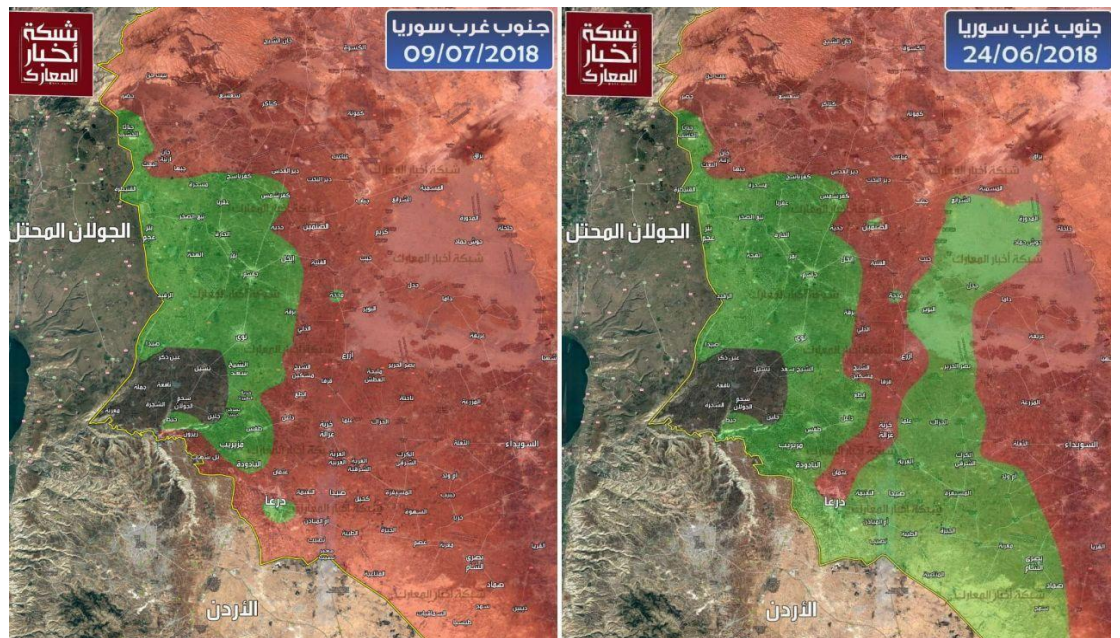
باید به این نکته توجه کرد که، عدم حمایت آمریکا از تروریست‌های حاضر در این منطقه نیز باعث شد تا آنان روحیه خود را از دست بدهند

در ادامه‌ی پیشروی‌ها، گذرگاه مرزی النصیب، واقع در جنوب شرقی درعا بعد از گذشت سه‌سال مجدداً به کنترل دولت سوریه درآمد

وقتی که ما پیشروی‌های سریع ارتش سوریه و مقاومت ناچیز تروریست‌ها را می‌بینیم، می‌توانیم به این نکته پی ببریم، مذاکرات سیاسی برای رخنه کردن در صفوف تروریست‌های حاضر در جنوب بود. مانند آنچه که در غوطه شرقی رخ داد تا با یک حمله از پیش طراحی شده کار تروریست‌ها یکسره شود

پیشروی‌های ارتش سوریه تا پاکسازی تمامی مناطق جنوب ادامه دارد و در روزهای آینده اخبار مهمی از این منطقه به گوش خواهد رسید

رادمهر مرادی (کارشناسی جامعه شناسی)



حمید رضا نظری (کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری):

۲۵ مارس سال ۲۰۱۵ بود که نخستین حمله هوایی

اتلافی از کشورهای منطقه به رهبری عربستان، علیه مردم مظلوم و بی دفاع یمن صورت گرفت. این درگیری نابرابر از سوی نیروهای ائتلاف سعودی و هم‌پیمانان تا بن دندان

مسلحش تا به امروز ادامه داشته‌است و این در حالی است که سعودی و هم‌پیمانانش از تمام توان نظامی خود و در

مواردی از سلاح‌های ممنوعه علیه مردم مظلوم

یمن، بخصوص زنان و کودکان، استفاده کرده‌است تا بتواند شکست مقاومت را رقم بزند که تا الان موفق به این امر

نشده‌است. نکته قابل توجه، سکوت معنادار مجامع و

نهادهای بین‌المللی و حقوق بشری است که جز در موارد نادر، اقدامات و حتی اظهارات لازم را مطرح نکرده‌اند و در

این سکوت خبری شمار زیادی از غیرنظامیان یمنی در

منازل، مراسمات مذهبی و عروسی و حتی مدارس و اماکن عمومی مورد حمله ناچاقانمردانه توسط جنگنده‌های ائتلاف

قرار گرفته‌اند

اما رخدادی که در مدت اخیر بسیار در رسانه‌ها مطرح

شده‌است و از نظر نظامی و راهبردی مورد اهمیت قرار

دارد، نبرد بر سر بندر الحدیده است.

بندر الحدیده در شرایط کنونی شاهد بزرگ‌ترین نبرد در ۳ سال گذشته در جریان بحران یمن است؛ چراکه الحدیده،

اینگ، مهم‌ترین بندر برای انصارالله و متحدان شده و

اشغال آن از سوی نیروهای متحد سعودی می‌تواند فشار را برای تسلیم صنعا دوچندان کند. از همین رو، نیروهای

وابسته به سعودی حدود ۲ ماه پس از کشته‌شدن علی

عبدالله صالح، عملیات برای اشغال این بندر را کلید زدند.

در این عملیات، نیروهای مزدور سودان، نیروهای مستشاری امارات، نیروهای طارق صالح (تحت حمایت امارات) و

جنگنده‌های عربستان، همگی در یک جبهه علیه انصارالله و متحدین حمله کرده‌اند. این عملیات موسوم به پیروزی

طلایی (النصر الذهبی) است. در روزهای نخست، ائتلاف سعودی با وجود بهره‌مندی از حمایت‌های انگلیس، آمریکا

و فرانسه موفق به پیشروی در الحدیده نشدند و حتی یک قایق فرانسوی توسط انصارالله توقیف و قایق اماراتی نیز

منهدم شد. در شرایط کنونی متجاوزان در الحدیده در باتلاق این نبرد گرفتار شده‌اند. در واقع ائتلاف پنج‌گانه

عربستان، امارات، انگلیس، فرانسه و آمریکا به همراه مزدوران سایر کشورها در برابر اراده انقلابیون یمن گرفتار

شده‌است. علاوه بر این، آمار تلفات ائتلاف سعودی در

نبرد الحدیده نشان‌دهنده معجزه نیروهای انصارالله است. بر اساس آمار منتشر شده، طی چهار هفته گذشته حدود

۳۰۰ خودروی نظامی و زرهی توسط نیروهای یمنی در غرب یمن و الحدیده منهدم شدند. البته تعداد زیادی از

تجهیزات نظامی که توسط یگان دفاعی موشکی یمن و موشک‌های بالستیک منهدم شدند، در این آمار

نیامده‌است. همچنین ۱۳۲۳ نفر از عناصر مزدور از جمله تعدادی از فرماندهان نیز در حملات یگان پهپادی موشکی

یمن و حملات موشکی طی ۲۳ روز گذشته، کشته و یا زخمی شده‌اند. علاوه بر این، یگان پهپادی موشکی ارتش

یمن و انصارالله طی سه هفته گذشته بیش از شش عملیات انجام دادند و بیش از ۱۲ موشک بالستیک نیز به

سواحل غربی یمن شلیک شده‌است

در واقع ائتلاف سعودی در مورد نبرد الحدیده بار دیگر



تشیع در نیجریه و نقش شیخ زکزاکی در گسترش آن

بیوگرافی:

وی در پنجم ماه ۱۹۵۳ میلادی در شهر زاریا در ایالت کادونا، شمال غربی نیجریه به دنیا آمد. در سال ۱۹۷۹ در رشته اقتصاد از دانشگاه احمد بلو لیسانس گرفت. پیش از دانشگاه دو سال در مدرسه استانی عربی و چهار سال (۱۹۷۱-۱۹۷۵) در مدرسه معروف مطالعات عربی در کانو درس خوانده بود. آموزش اولیه اسلامی-قرآنی را نزد علمای مختلف در حوزه‌های زاریا به پایان رسانده بود.

فعالیت سیاسی: زکزاکی از بدو ورود به دانشگاه فعالیت سیاسی را آغاز کرد. سال‌های ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ میلادی دبیرکل انجمن دانشجویان مسلمان نیجریه در پردیس اصلی دانشگاه احمدو بود. سال ۱۹۷۹، معاون امور بین‌الملل کمیته ملی همین انجمن شد. چیزی به پایان دوران دانشجویی‌اش نمانده بود که در ایران انقلاب شد. هم‌زمان جنبش اسلامی نیجریه هم که تحت تأثیر امام خمینی بود، شکل گرفت.

به طور کلی چند عامل در نیجریه وجود دارد که زمینه و علت ظهور تشیع در این قسمت قاره آفریقا بوده است. تا سال ۱۹۸۰ میلادی حدود پنج هزار شیعه مهاجر موسوم «خوجه» در نیجریه زندگی می‌کرده اند و از آنجا که شیعیان خوجه در ساحل غربی آفریقا مستقر شده اند در شکل گیری یا گسترش تفکر شیعی این کشور نقش مهمی داشته اند.

سابقه حضور شیعیان در نیجریه: ورود اسلام به نیجریه دو نظریه وجود دارد برخی زمان آن را پس از وفات پیامبر (ص)، و عده ای قرن هفتم از طریق شمال این کشور پس از ورود تجار مسلمان میدانند. اساس اسلام در غرب آفریقا ماهیتی صوفیانه دارد. بنابراین برای درک حضور و گسترش اسلام در این منطقه باید این مساله را در نظر داشت. از این جهت این منطقه به مرکز معنوی اسلام در آفریقا معروف شده است. آب و هوای استوایی و جنگلهای انبوه و شرایط خاص جغرافیایی نیجریه مستعد پذیرش و رشد مذاهب لطیف و صیقل یافته بوده از این روی بهتر میتوان دلایل بنیادین رغبت مردم به تشیع در این منطقه را درک کرد. مهاجرت امامزادگان به نیجریه و حکومت‌های ادیسیان و فاطمیان تأثیر زیادی در گسترش تشیع در آفریقا و نیجریه داشته اند.

شکل گیری تشیع در نیجریه را میتوان به سه مقطع تقسیم کرد

مقطع نخست: قبل از سال ۱۹۹۴ است که هنوز در آن زمان تشیع در حاشیه بود و زیاد شناخته شده نبود. جمعیت شیعیان به بیش از ۵۰۰ هزار نفر نمی‌رسید و این اقلیت جمعیت بدلیل نا آشنا بودن مردم با این مذهب بود.

مقطع دوم: پس از ۱۹۹۴ میلادی با شکل گیری جنبش اسلامی در نیجریه که تحت تأثیر جنبش اخوان المسلمین بود، برخی از اعضای این جنبش به تشیع گرایش پیدا کردند و برخی از راه یافتگان به تشیع از آن جدا شدند و به کشورهای دیگر مهاجرت کردند که در نتیجه آن گسترش تشیع شروع شد. مقطع سوم که متأثر از امواج بیداری اسلامی بود از سال ۱۹۹۹ تا کنون ادامه پیدا کرده است. در این مقطع مذهب تشیع مورد استقبال مردم نیجریه قرار گرفت و گسترش قابل توجهی داشت تا آنجا که به رغم تبلیغات منفی و بدرفتاری با شیعیان، جمعیت تشیع از مرز ۷ میلیون نفر هم گذشت این بدرفتاری با شیعیان نتیجه معکوس داشت و در اقبال مردم به تشیع تأثیر داشت.

زمینه های شکل گیری تشیع در نیجریه، عبارت است: اینه طور که چند عامل در نیجریه وجود دارد که زمینه و علت ظهور تشیع در این قسمت قاره آفریقا بوده است

تا سال ۱۹۸۰ میلادی حدود پنج هزار شیعه مهاجر موسوم «خوجه» در نیجریه زندگی می‌کرده اند و از آنجا که شیعیان خوجه در ساحل غربی آفریقا مستقر شده اند در شکل گیری یا گسترش تفکر شیعی این کشور نقش مهمی داشته اند. عامل دوم شیعیان لبنانی بوده اند. که خدمات بسیاری به مسلمانان نیجریه کرده اند. وقتی که شهر ابوجا به جای لاگوس پایتخت نیجریه شد شماری از خانواده های لبنانی از لاگوس به ابوجا مهاجرت کردند و باعث گسترش تفکر شیعی در این شهر شدند. عامل سوم فرق تصوف بوده اند. بیشتر مسلمانان آفریقایی تمایلات صوفیانه دارند. طریقت های صوفیه مثل تیجانیه وقادریه که حضوری غالب در این دیار داشته اند، توجه و احترام خاصی برای اهل بیت (علیهم السلام) قائلند و از آغاز تاریخ اسلام فرزندان امامان (ع) جایگاه ویژه ای در این مناطق داشته اند و به آنان «شرفا» می‌گفته اند. این فضای فکری نقش بسزایی در رشد و گسترش سیره ائمه معصومین در نیجریه داشته است. چهارمین عامل حضور بازرگانان مسلمان بوده است. بازرگانان با روابط حسنه و اخلاقی نیکو توانستند زمینه های انتقال مذهب تشیع را فراهم آورند. بازرگانان شیعه با بازرگانان مسلمانی که دوستان تشیع بودند باعث گسترش تشیع در اوگاندا زامبیا شرق و مرکز آفریقا شدند. این بازرگانان دارای طبع و ذوق خاصی بودند و رسوم جذابی را در این منطقه همراه مذهب تشیع انتقال دادند که به صورت ریشه ای در فرهنگ و سنت مردم این منطقه باقی ماند.

نفوذ سلفی گری در نیجریه و حمایت‌های خارجی

عاملان جنایت زاریا برخی خبرها حاکی از آن بود که عربستان پیش از وقوع حادثه زاریا که به کشته شدن بیش از ۵۰۰ نفر از شیعیان نیجریه انجامید، در شبکه‌های تلویزیونی به تبلیغ گسترده علیه شیعیان و هشدار در خصوص افزایش جمعیت چشمگیر شیعیان و فعالیت‌های جنبش اسلامی پرداخته است. پس از کشتار زاریا که توسط ارتش نیجریه علیه شیعیان این کشور انجام شد، ملک سلمان در تماس تلفنی با رئیس جمهور نیجریه، از او حمایت کرد و این اقدام ارتش نیجریه که نقض آشکار حقوق شیعیان نیجریه بود را تروریسم نام گذاشت.

با انتخاب رئیس جمهوری جدید و مسلمان، محمود بوهاری، نفوذ عربستان در دولت نیجریه نیز بیشتر شد و سعی کردند با دادن برخی امتیازات و تشریفات صوری او را به سمت خود بکشاند. گفته می‌شود این رئیس جمهوری روابط نزدیکی با گروه‌های وهابی و سلفی دارد و برخی از مشاوران و معاونان وی از افرادی هستند که تمامی آن‌ها مورد حمایت کامل عربستان هستند و برخی از این افراد سفرهای بلندمدت به عربستان و ملاقات‌های خصوصی با سران و مفتیان عربستانی داشته اند.

یک منبع نزدیک به شیخ زکزاکی مطرح کرد

افشای پیشنهاد دولت نیجریه به شیخ زکزاکی / ادامه فشارها بر رهبر شیعیان نیجریه

یک منبع نزدیک به شیخ زکزاکی گفت: دولت نیجریه اعلام کرده است در صورتی که شیخ زکزاکی از آرمان‌های خود دست بردارد، وی را آزاد می‌کند

یک منبع نزدیک به شیخ زکزاکی، رهبر شیعیان نیجریه، اعلام کرد: هفته گذشته یک مقام ارشد امنیتی به بهانه درخواست مذاکره چند وزیر دولتی با شیخ زکزاکی وی را به مقر فرماندهی خود فراخواند اما آن‌ها پس از رسیدن به مقر این مقام ارشد امنیتی دریافتند هیچ وزیری آنجا حضور ندارد

وی با اشاره به اینکه تنها افراد حاضر در آن محل، دو مقام ارشد امنیتی و اطلاعاتی نیجریه بودند، در تشریح پیشنهاد دولت ابوجا برای آزادی شیخ الزکزاکی بیان داشت: تقاضای آن‌ها این بود که شیخ تضمین دهد در ازای آزادی، از آرمان‌های خود دست بردارد و برخی از فعالیت‌های خود را متوقف کند اما شیخ زکزاکی به آن‌ها اعلام کرد که همچنان همان فعالیت‌هایی را در دستور کار خود قرار می‌دهد که چهل سال است به انجام آن‌ها متعهد مانده است

این منبع نزدیک به شیخ زکزاکی با بیان اینکه این مقامات وعده ادامه مباحث مطرح‌شده را در روز بعد دادند، خاطر نشان کرد: تا این لحظه دیگر به سراغ شیخ زکزاکی نیامده‌اند

وی با اشاره به اینکه پیشنهاد دولت نیجریه، طرحی برنامه ریزی شده با هدف ادامه بازداشت شیخ زکزاکی است، تأکید کرد: دولت نیجریه می‌کوشد با مطرح کردن بهانه‌های بی‌پایه و اساس، شیخ زکزاکی را همچنان تحت فشار قرار دهد و مانع از برقراری ارتباط وی با شیعیان شود.

دچار یک اشتباه محاسباتی شد؛ چرا که در سال ۹۴ این ائتلاف براساس محاسبات خود یک جنگ محدود چند هفته ای و برق آسا را در یمن پیش‌بینی کرده بود که بیش از ۳ سال این جنگ ادامه یافته و عربستان و امارات در باتلاق یمن گرفتار شده‌اند. در مورد الحدیده نیز این اشتباه تکرار شد. در واقع نیروهای انصارالله با سلاح‌های بومی و دست‌ساخته خود توانسته‌اند ائتلاف پنج گانه در الحدیده را شکست دهند و این یک معجزه برای نیروهای مقاومت است

سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان، در آخرین سخنرانی خود اینطور به تمجید و حمایت از مردم یمن می‌پردازد: «من و همه برادرانم و همه رزمندگان در جهان و همه کسانی که از معادلات نظامی مطلع هستند و تجارب نظامی دارند باید برای تحلیل از آن رزمندگان و آن اهل مقاومت و آن دلاورمردان و برای تحلیل از فرماندهان خردمند و شجاع و ثابت قدم و استوار، سر تعظیم فرود آوریم. این یک حقیقت است و تعارف نیست و برای بالا بردن روحیه نیست بلکه بر عکس، من به این رزمندگان می‌گویم من شرمندهم که در میان شما و همراه شما نیستم. بینی و بین‌الله زمانیکه این تصاویر و این دلاوری‌ها و ایستادگی‌های اسطوره‌ای را می‌بینم می‌گویم ای کاش با شما بودم. من می‌دانم همه برادرانم نیز همین را می‌گویند و هر فرد شریفی روی کره زمین همین را می‌گوید: ای کاش با شما بودیم، ای کاش می‌توانستیم با شما باشیم، ای کاش می‌توانستیم یکی از رزمندگان شما بوده و زیر پرچم رهبر عزیز و شجاع باشیم». شاید بتوان مهم‌ترین پیام سخنان دبیرکل حزب‌الله لبنان که با واکنش محبت آمیز مردم و فرماندهان یمنی روبرو شد را شکل‌گیری یک جبهه‌ی مستحکم متشکل از نیروهای مقاومت در کشورهای مختلف دانست که در آینده می‌تواند زمینه‌ساز اقدامات شگرفی باشد

عامل دوم شیعیان لبنانی بوده اند. که خدمات بسیاری به مسلمانان نیجریه کرده اند. وقتی که شهر ابوجا به جای لاگوس پایتخت نیجریه شد شماری از خانواده های لبنانی از لاگوس به ابوجا مهاجرت کردند و باعث گسترش تفکر شیعی در این شهر شدند. عامل سوم فرق تصوف بوده اند. بیشتر مسلمانان آفریقایی تمایلات صوفیانه دارند. طریقت های صوفیه مثل تیجانیه وقادریه که حضوری غالب در این دیار داشته اند، توجه و احترام خاصی برای اهل بیت (علیهم السلام) قائلند و از آغاز تاریخ اسلام فرزندان امامان (ع) جایگاه ویژه ای در این مناطق داشته اند و به آنان «شرفا» می‌گفته اند. این فضای فکری نقش بسزایی در رشد و گسترش سیره ائمه معصومین در نیجریه داشته است. چهارمین عامل حضور بازرگانان مسلمان بوده است. بازرگانان با روابط حسنه و اخلاقی نیکو توانستند زمینه های انتقال مذهب تشیع را فراهم آورند. بازرگانان شیعه با بازرگانان مسلمانی که دوستان تشیع بودند باعث گسترش تشیع در اوگاندا زامبیا شرق و مرکز آفریقا شدند. این بازرگانان دارای طبع و ذوق خاصی بودند و رسوم جذابی را در این منطقه همراه مذهب تشیع انتقال دادند که به صورت ریشه ای در فرهنگ و سنت مردم این منطقه باقی ماند.

عاملان جنایت زاریا برخی خبرها حاکی از آن بود که عربستان پیش از وقوع حادثه زاریا که به کشته شدن بیش از ۵۰۰ نفر از شیعیان نیجریه انجامید، در شبکه‌های تلویزیونی به تبلیغ گسترده علیه شیعیان و هشدار در خصوص افزایش جمعیت چشمگیر شیعیان و فعالیت‌های جنبش اسلامی پرداخته است. پس از کشتار زاریا که توسط ارتش نیجریه علیه شیعیان این کشور انجام شد، ملک سلمان در تماس تلفنی با رئیس جمهور نیجریه، از او حمایت کرد و این اقدام ارتش نیجریه که نقض آشکار حقوق شیعیان نیجریه بود را تروریسم نام گذاشت.

با انتخاب رئیس جمهوری جدید و مسلمان، محمود بوهاری، نفوذ عربستان در دولت نیجریه نیز بیشتر شد و سعی کردند با دادن برخی امتیازات و تشریفات صوری او را به سمت خود بکشاند. گفته می‌شود این رئیس جمهوری روابط نزدیکی با گروه‌های وهابی و سلفی دارد و برخی از مشاوران و معاونان وی از افرادی هستند که تمامی آن‌ها مورد حمایت کامل عربستان هستند و برخی از این افراد سفرهای بلندمدت به عربستان و ملاقات‌های خصوصی با سران و مفتیان عربستانی داشته اند.

یک منبع نزدیک به شیخ زکزاکی مطرح کرد

افشای پیشنهاد دولت نیجریه به شیخ زکزاکی / ادامه فشارها بر رهبر شیعیان نیجریه

یک منبع نزدیک به شیخ زکزاکی گفت: دولت نیجریه اعلام کرده است در صورتی که شیخ زکزاکی از آرمان‌های خود دست بردارد، وی را آزاد می‌کند

یک منبع نزدیک به شیخ زکزاکی، رهبر شیعیان نیجریه، اعلام کرد: هفته گذشته یک مقام ارشد امنیتی به بهانه درخواست مذاکره چند وزیر دولتی با شیخ زکزاکی وی را به مقر فرماندهی خود فراخواند اما آن‌ها پس از رسیدن به مقر این مقام ارشد امنیتی دریافتند هیچ وزیری آنجا حضور ندارد

وی با اشاره به اینکه تنها افراد حاضر در آن محل، دو مقام ارشد امنیتی و اطلاعاتی نیجریه بودند، در تشریح پیشنهاد دولت ابوجا برای آزادی شیخ الزکزاکی بیان داشت: تقاضای آن‌ها این بود که شیخ تضمین دهد در ازای آزادی، از آرمان‌های خود دست بردارد و برخی از فعالیت‌های خود را متوقف کند اما شیخ زکزاکی به آن‌ها اعلام کرد که همچنان همان فعالیت‌هایی را در دستور کار خود قرار می‌دهد که چهل سال است به انجام آن‌ها متعهد مانده است

این منبع نزدیک به شیخ زکزاکی با بیان اینکه این مقامات وعده ادامه مباحث مطرح‌شده را در روز بعد دادند، خاطر نشان کرد: تا این لحظه دیگر به سراغ شیخ زکزاکی نیامده‌اند

وی با اشاره به اینکه پیشنهاد دولت نیجریه، طرحی برنامه ریزی شده با هدف ادامه بازداشت شیخ زکزاکی است، تأکید کرد: دولت نیجریه می‌کوشد با مطرح کردن بهانه‌های بی‌پایه و اساس، شیخ زکزاکی را همچنان تحت فشار قرار دهد و مانع از برقراری ارتباط وی با شیعیان شود.

اصلاحات این بار در عراق؟

سائرون ائتلافی است که در این دوره از انتخابات پارلمانی تقریباً نوپای کشور عراق، بعد از حزب بعث توانسته بیشترین کرسی از میان صندلی های موجود در مجلس عراق را به زیر دست خود بیاورد و تفکر خود را بر آن چیره سازد و مقتدی صدر، بازمانده موثر خاندان صدر در نظام سیاسی عراق توانسته است ائتلافی را منسجم کند که افرادی چون حیدر العبادی و هادی العامری را پشت سر گذاشته و تعدد کرسی ها و ضریب آن ها را به نفع هم کیشان خود متغیر ساخته است. البته باید خاطر نشان کرد که از آن جایی که شخص مقتدی از اسامی لیست سائرون به صورت مستقیم نبوده است توانایی و امتیاز نخست وزیری و پست صدارت از شخص وی منع می شود. اما قاعدتا باید منتظر شخصی از ائتلاف او بود که خود این عامل ذکر شده نیز می تواند حامل پیامی باشد و سوالی را در ذهن بپروراند که به چه علت صدر شخصا در انتخابات حضور نداشته است؟

اگر خواهان آن باشیم که پیروزی ائتلاف سائرون در پارلمان نقطه عطفی برای تغییرات ساختاری، تفکری، فرهنگی، سیاسی و بین المللی می باشد، باید پیامد هایی بی شمار در جمیع حوزه های فوق را پیش رو داشته باشیم که هر کدام بر حسب دیگر مولفه های داخلی و خارجی موثر در سیاست عراق می توانند درصدی از حتمیت را در خود گنجانده باشند. هدف متن بر آن است که چند مورد از این احتمالات را ارزیابی و واریسی کند.

الف) مقتدی صدر شخصیتی کاریزماتیک، ذی نفوذ و دارای طرفداران بی شمار در کشور عراق است. اگر این مورد در کنار عقیده او در باب حکومت اسلامی بگنجانیم می توانیم نتیجه ای قابل تامل را نظاره کنیم که خود سیلی از تبعات مختلف را به جریان دارد توجه کنید، اگر قدرت حکومتی و پارلمانی در ید این تفکر جای بگیرد دور از ذهن نیست که شاهد مصوبه ها و قوانینی باشیم که محتویات آن با محتویات سخنان مقتدی در سخنرانی های آن منوط به منع الکحل، حجاب و ... یکی باشد و این تفکرات و مباحی در قوانین مستحکم و لازم الاجرا در بیاید که هر عقل سلیمی می تواند پیامد های مختلفی را برای این موضوع پیش بینی کند.

ب) ولایت فقیه ایده مستحکم و از جمله اصول بنیادین تفکر شخص مقتدی است که این عامل می تواند اثرات مثبت و منفی را به دنبال داشته باشد از جانب مثبت ماجرا علی القاعده وحدت مضاعف، حول محور این تفکر و فواید حاصله از این وحدت، می توان نام برد. اما از جانب منفی ماجرا ما با یک تناقض رو به رو هستیم که به سهولت تمام توانایی ایجاد بحران در منطقه را دارا می باشد. جریان از این رو است که مقتدی صدر یک اسلام گرای ملی گرا بوده که آن چنان که اشخاص چون العبادی با ایران روابط حسنه و نزدیک داشته اند دارا نمی باشد و به تبع زیر لوای پرچم ایران به عنوان سردمداران حکومت اسلامی نمی رود و رابطه های دو کشور نسبت به قبل به سخت بودن سوق پیدا می کند و در طرف مقابل تفکر ولایت فقیه دو مرکزیت را به هیچ عنوان نمی پذیرد و همان طور که حزب الله

لبنان و تا حدودی انصار الله یمن مرکزیت ولایت فقیه ایران را پذیرفته نمی توان انتظار داشت با ویژگی های شخصی مقتدی صدر این تشابه در عمل را از آن شاهد باشیم پس علنا می تواند برای تفکر ولایت فقیه در منطقه و البته وحدت منطقه مشکل ساز باشد

ج) ملی گرایی از ویژگی های بارز شخص مورد نظر ما یعنی مقتدی صدر است که این عامل به خوبی می تواند موجب اعتلای کشور عراق در سطح منطقه و بین الملل شود و این فرد به خوبی می تواند با ابزاراتی که در دست دارد شروع حرکت عراقیون به سمت تغییرات مثبت را کلید بزند و از آن جایی که اقداماتی چون محدودیت نیرو های سراپا الاسلام از اقدامات نوین این شخص است، مشخص است که امور فرهنگی و اجتماعی برای آن در اولویت می باشد.

د) علاوه بر اعتلای عراقیون باید بین سه دسته سنی، کرد و شیعه، پیشرفت و تحرک اجتماعی شیعیان را مضاعف نسبت به دو گروه دیگر بدانیم زیرا مقتدی صدر فردی شیعه و از رجال محوری این گروه در میان گروه های عراق است و همواره تکرر قدرت شیعی می تواند از تفکرات و اهداف این شخصیت باشد البته که مناصب در نوبت های قبلی نیز بسیار در دست شیعیان بوده است اما بر حسب تفکرات که سابقه مقتدی صدر باید توقع بیشتری را دارا از این فرد در این مورد دارا بود اما متممی که برای این مورد تحت عنوان شرط آورده می شود لزوم تحکیم وحدت شخص صدر با آیت الله سیستانی دیگر رهبر تشیع عراق است.

علیرضا شاه محمدی (کارشناسی علوم سیاسی)

خاندان نمک شناس بارزانی

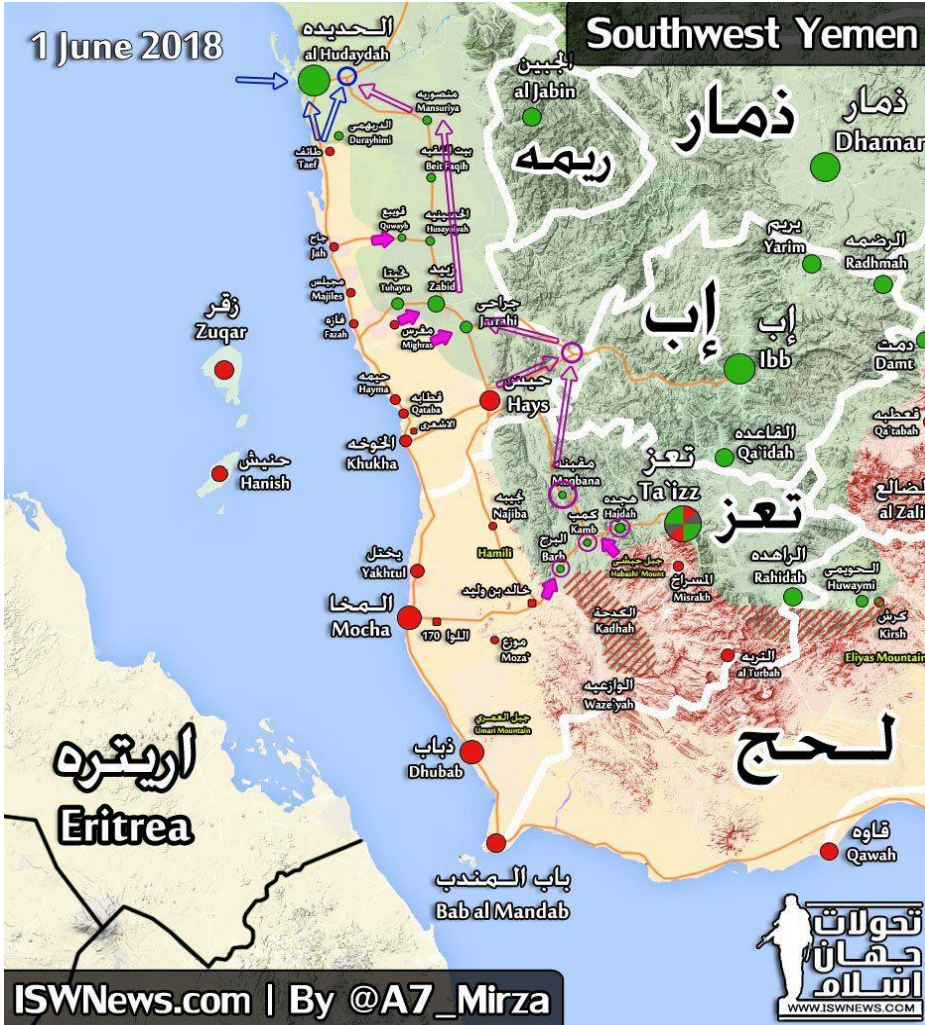
آمریکا با چراغ سبز خاندان بارزانی کنسولگری بزرگ خود را به مساحت ۲۰۰ هزار مترمربع، کلنگ زنی کرد. این کنسولگری، بزرگ ترین کنسولگری آمریکا در جهان است که در اربیل ساخته می شود. البته با توجه به شناختی که از ایالات متحده داریم، این مکان ظاهراً کنسولگری خواهد بود اما در باطن، محلی برای حمایت، آموزش، تربیت، هدایت و تسلیح تروریست های ضد جمهوری اسلامی ایران است. !تنز تلخ ماجرا این است که نیچروان بارزانی طی سخنانی اعلام کرد: اگر آمریکا نبود، داعش را نمی توانستیم شکست دهیم! آقای بارزانی جوان! شما خودتان گفتید «شبی که داعش به نزدیکی اربیل رسیده بود، سردار سلیمانی و چند تن از نیروهای اطلاعاتی ایران همراه ما بودند.» کاش این زحمات را آنقدر زود فراموش نمی کردید! تاریخ، نمک شناسی خاندان بارزانی را به یاد خواهد داشت...

رادمهر مرادی



شکستِ «پیروزی طلایی»

تقریباً ۲ ماه پیش ائتلاف سعودی با همکاری امارات متحده عربی عملیات نظامی موسوم به عملیات «پیروزی طلایی» را با هدف اشغال بندر راهبردی «الحدیده» آغاز کرد جنوب غربی یمن به مرکزیت بندر حدیده با تقریباً ۳ میلیون جمعیت در ماه های اخیر به جبهه‌ی، تقابل مردم و قبایل یمن به همراه نیروی های انصارالله در مقابل تجاوز ائتلاف سعودی تبدیل شده است. هر دو طرف این جنگ می‌دانند استراتژیک ترین نقطه‌ی یمن همین بندر است و تلفات سنگین در عملیات های انجام شده نشان دهنده این است که همه در تلاش برای پیروزی هرچه سریع تر هستند، این بندر به زودی با غرق می‌شود و همه‌ی یمن را با خود به آب فرو می‌برد یا فتح الفتوحی دیگر را در تاریخچه‌ی حزب‌الله رقم می‌زند.



رژیم سعودی که هر لحظه صدای موشک های یمنی که تنها عامل ماندگاری یمن بر روی نقشه است را نزدیک تر می‌شوند، دست به دامان دوستان مداخله‌جو تر از خود شده است و با ائتلافی که در کنار آمریکا، فرانسه، امارات و رژیم صهیونیستی تشکیل دادند در تلاش برای محاصره ای تمام و کمال برای نسل‌کشی در کشور یمن شده اند صرف نظر از اینکه رقم های اعلام شده از ناحیه هر یک از سه گروه با واقعیت میدان چه تناسبی دارد، واقعیت آن است که در جنگ یمن چنانکه بندر استراتژیک حدیده سقوط کند فاجعه ای انسانی در راه خواهد بود چرا که تصرف این بندر در حقیقت مساوی است با محاصره اقتصادی یمن هم از دریا هم از خشکی و هم از فضا و این یعنی آنکه ارتباط یمن با دنیای خارج قطع می‌شود و اندک کمک هایی که به گاه از این مسیر دریایی به این منطقه خواهان استقلال می‌رسد قطع خواهد شد. شاید با در نظر گرفتن همین تهدید هم باشد که چند روز پیش نماینده دبیرکل سازمان ملل در امور انسانی هشدار داد حوالی هشت و نیم میلیون یمنی در معرض گرسنگی و سوءتغذیه قراردارند و استمرار این وضع تا پایان سال این رقم را به ۱۰ میلیون نفر خواهد رساند. چنانکه بر این ارقام عدد مبتلایان بیش از یک میلیون یمنی به وبا، دیفتری، مرض قند و دیگر بیماری ها را بیفزاییم انتظار فاجعه ای انسانی در یمن در آینده ای نزدیک به هیچ وجه دور از ذهن نیست.

مردم یمن در تلاش برای زنده نگه داشتن آرمان های درست خود و بازپس گیری حق نفس کشیدن در این جهان، با خون و فداکاری می‌جنگند و با ایمان به آنکه حق همیشه پیروز است در مقابل ائتلاف خارجی و خائنین داخلی مقاومت می‌کنند که این چه داستان آشنایستی برای ما، هر کشوری که میخواهد مواضع محافظه کارانه ای در مقابل این فاجعه بگیرد مختار است اما ایران که ۸ سال از جنگ مقاومت را مثل یمن و در همین شرایط سپری کرده، خوب می‌داند چقدر این مردم به کمک دیگر اعضای مقاومت محتاجند، در کنار مردم یمن ایستاده ایم و می‌ایستیم چون عمیق ترین و دقیق ترین درک از این شرایط را داریم و باید بیش از این درک کنیم که شاید سرنوشت منطقه در حدیده رقم بخورد

محمد رجیبی علویه (کارشناسی شیمی)

به منظور بررسی پرونده آشتی ملی:

هیات‌هایی از گروه‌های فلسطینی طی چند روز آینده راهی قاهره می‌شوند.

هیات‌هایی از گروه‌های فلسطینی طی چند روز آینده از طریق گذرگاه رفح راهی قاهره - پایتخت مصر - می‌شوند. به گزارش مرکز اطلاع رسانی فلسطین به نقل از منابع فلسطینی، این اقدام با هدف رایزنی با مسئولان پرونده فلسطین در سرویس‌های اطلاعاتی مصر پیرامون بن بست روند آشتی ملی صورت می‌گیرد. این منابع افزودند: مصر شروع به ارسال دعوتنامه به رهبران جنبش‌های مقاومت اسلامی حماس و فتح جهت عزیمت به قاهره کرده است، این اقدام در حالی صورت می‌گیرد که دعوتنامه‌های مشابهی نیز طی چند ساعات و چند روز آینده به منظور بررسی وضعیت فلسطین به دیگر گروه‌های فلسطینی ارسال خواهد شد. منابع مذکور تصریح کردند که غلام احمد از رهبران جنبش فتح و مسئول پرونده آشتی ملی این جنبش که هم اکنون در قاهره حضور دارد با مسئولان پرونده فلسطین در سرویس‌های اطلاعات مصر دیدار کرد، طرفین در این دیدار پیرامون آشتی ملی بحث و گفت و گو کردند.

پیش‌بینی می‌شود که هیاتی بلند پایه از حماس به ریاست اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی این جنبش نیمه هفته جاری راهی قاهره شود، هنیه از چند روز پیش تماس‌های تلفنی متعددی از سرلشکر احمد عبدالخالق مسئول جدید پرونده فلسطین در سرویس‌های اطلاعات مصر دریافت کرده است. عبدالخالق در جریان این تماس‌ها از هنیه برای سفر به قاهره جهت بررسی آشتی ملی و وضعیت امنیتی نوار غزه دعوت به عمل آورده است.

منبع کانال مطالعات مصر

عنوان مقاله: جامعه مدنی، ثبات سیاسی و قدرت دولتی در آسیای مرکزی

نویسنده Charles E. Ziegler

هدف مقاله: نویسنده اذعان می‌کند که با پالایش درک‌مان از الگوهای متمایز جامعه مدنی در آسیای مرکزی می‌توانیم دانش خود را در زمینه فرآیندهای سیاسی این منطقه بحرانی تقویت کنیم و حتی ممکن است کارآیی برنامه‌های کمک به دموکراسی در این منطقه را بهبود ببخشیم (بنابراین هدف مقاله فهم جامعه مدنی در راستای کمک به بهبود فرآیند دموکراسی‌سازی در آسیای مرکزی است). نویسنده قزاقستان را، بعنوان موردی که مستعد توسعه جامعه مدنی به شکل غربی است، مثال می‌زند و بحث خود را بر روی ارگانیک‌سازی جامعه مدنی در قزاقستان ادامه می‌دهد.

دو رویکرد نظری به شکل‌گیری جامعه مدنی

لیبرال‌ها معتقدند، جامعه مدنی باید مستقل از دولت عمل کند و شکل‌گیری آن یک روند تاریخی است که به دخالت دولت نیازی ندارد. به همین دلیل بسیاری بر این باورند که کشورهای درحال‌گذار مانند جوامع آسیای مرکزی و قفقاز، برای گذار به یک دولت مرکزی قوی نیازمندند تا بتوانند نیروهای گریز از مرکز را جمع کنند؛ به همین علت نتیجه می‌گیرند که جوامع در حال‌گذار نمی‌توانند دارای جامعه مدنی باشند. رویکرد دیگر، بر این عهد استوار است که جامعه مدنی باید با اعمال محدودیت‌های دولت معنی پیدا کند؛ به این معنی که دولت‌ها در روند پیدایش جامعه مدنی نقش ایفا کنند و این روند را به دست نزاع‌های تاریخی بزرگ نسپارند. این رویکرد معتقد است که دولت‌ها می‌توانند با پر و بال دادن به جوامع مدنی به توزیع قدرت در سطح جامعه کمک کنند. همچنین این رویکرد به جامعه مدنی بعنوان یک طیف نگاه می‌کند که می‌تواند، در کشوری ضعیف و در کشوری دیگر قوی باشد. به علاوه، اگر به رویکرد دوم قائل باشیم، باید اذعان کنیم که جامعه مدنی مفهومی جهان‌شمول به خود می‌گیرد که می‌توان آن را در کشورهای مانند قزاقستان نیز به کار برد؛ در غیر این صورت، جوامع مدنی مختص کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی خواهد بود.

نویسنده، با قبول تعریف دوم از جامعه مدنی و رویکرد دولت‌محور در قبال تشکیل جامعه مدنی، برای اندازه‌گیری شرایط جامعه مدنی در قزاقستان به بررسی نهادهایی مانند مطبوعات و دانشگاه‌ها که توسط دولت شکل گرفته‌اند نیز می‌پردازد.

باتوجه به این‌که کشورهای تازه استقلال‌یافته از شوروی، برای عبور از فرآیند سخت دولت-ملت‌شدن، نیاز به اقتدار و حذف نیروهای گریز از مرکز داشتند، پر و بال دادن به جامعه مدنی در این مقطع زمانی برای آن‌ها بسیار دشوار بوده است؛ به این دلیل که اقتدار مرکزی در این ایام باید با واگذاری قدرت به نیروهای غیردولتی موجب تقویت جامعه مدنی را در این کشورها فراهم می‌کرد و این امر موجب می‌شد تا دولت‌های تازه به استقلال رسیده گرفتار کودتا و آشوب‌های متنوع شوند. حال قزاقستان، به عنوان موردی که توانسته است فرآیند دولت-ملت‌سازی را همراه با تقویت جامعه مدنی طی کند، توجه مؤلف را به خود جلب کرده و به همین دلیل سؤال نویسنده در این مقاله این است: چطور قزاقستان، بعنوان یک دولت پساکمونیستی، توانسته به تنش میان نیاز به ساختن قدرت دولتی و هویت ملی و تلاش برای پذیرش یک جامعه مدنی ابتدایی پاسخ بدهد؟

سیمای جامعه مدنی در قزاقستان

جامعه مدنی در قزاقستان همانند جامعه مدنی در اروپای غربی قوی به نظر نمی‌رسد، اما این‌طور هم نیست که جامعه مدنی در این کشور اصلاً وجود نداشته باشد؛ بنابراین پیش از این که زمینه‌های شکل‌گیری جامعه مدنی در قزاقستان را نام ببریم بهتر است با سیمای جامعه مدنی در این کشور آشنا شویم. قزاقستان دارای تعداد زیادی از سازمان‌های غیردولتی است که در زمینه‌های حقوق بشر، مسائل زنان، تجارت، محیط زیست و مسائل جوانان فعالیت می‌کنند. تقریباً ۵۰۰ سازمان غیردولتی در این کشور به‌طور رسمی ثبت شده‌اند که از این تعداد، در حدود ۸۰۰ سازمان فعالیت چشم‌گیری دارند و بقیه تنها بر روی کاغذ وجود دارند.

بیشتر فعالیت‌ها و جنبش‌های کارگری در این کشور به شکل محلی دنبال می‌شود و به‌طور کلی شامل اعتراضات یا اعتصابات هستند که صدای خاصی ندارند تا بتوانند بر سیاست‌های ملی اثر بگذارند. در باره وضعیت زنان نیز باید گفت که در سال ۲۰۰۷ تنها ۹ درصد از نمایندگان مجلس ملی و فقط ۱۷ درصد از مسئولیت‌های منطقه‌ای و محلی به زنان واگذار شده است. به‌طور کلی، زنان در سطوح میانی مدیریت‌های قزاقستان نقش ایفا می‌کنند و در سطوح عالی کمتر فرصت حضور دارند. همچنین زنان نقش مهمی در رهبری سازمان‌های غیردولتی قزاقستان ایفا می‌کنند و در کسب و کار، آموزش و پرورش و بوروکراسی نسبتاً کارآمد هستند. بنا به برخی برآوردها، تعداد زنان مشغول به کار در سازمان‌های غیر دولتی سه برابر مردان است.

رسانه‌ها نیز در قزاقستان فعال هستند و خانه آزادی طی گزارشی که در سالهای اخیر داده است، مطبوعات قزاقستان را آزاد قلمداد کرده است. اما این نکته نیز باید گفته شود که وزارت اطلاعات قزاقستان نظارت شدیدی بر مطبوعات دارد و در سالهای اخیر، دولت، بعضی از سایت‌های اینترنتی را فیلتر کرده است. به‌طور کلی جامعه مدنی در قزاقستان وجود دارد؛ اما چندان پررنگ و مؤثر نمی‌باشد. در ذیل به علل شکل‌گیری و تضعیف جامعه مدنی در قزاقستان می‌پردازیم.

عوامل ظهور و شکل‌گیری جامعه مدنی در قزاقستان

قزاقستان از مزایای متعددی برخوردار بود که آن را از همسایگان آسیای مرکزی در دوران پس از شوروی متمایز می‌ساخت. اولاً، قزاقستان دارای سهم بیشتری از اقوام اروپایی بود که حضور آنها سطوح کلی آموزش و توسعه اقتصادی را حداقل در مناطق شهری افزایش می‌داد. ثانیاً، مسکو کشت پنبه را به قزاقستان مانند ازبکستان و دیگر جمهوریها تحمیل نمی‌کرد. وابستگی به پنبه یک نوع آسیب‌پذیری در اقتصاد جمهوری‌های دیگر به وجود آورد، همچنین تحمیلی بودن این مسئله موجب شد تا بسیاری از زنان و کودکان در این کشورها از آموزش باز بمانند؛ در نتیجه، اقتصاد قزاقستان تنوع صنعتی بیشتری نسبت به کشورهای دیگر آسیای مرکزی پیدا کرد و همچنین جمعیت تحصیل‌کرده در این کشور به نسبت دیگر جمهوریها افزایش یافت.

در اواخر دوره پرسترویکاد، در حالی که تمام آسیای مرکزی از فقر رنج می‌برد، نرخ فقر قزاقستان کمتر از نصف همسایگان خود بود. طبق آمار سال ۱۹۹۰ شوروی، ۸/۶۷ درصد از جمعیت تاجیکستان در ماه کمتر از ۱۰۰ روبل درآمد داشتند. در ازبکستان این رقم ۱/۵۷ درصد، در ترکمنستان ۲/۴۹ درصد و در قرقیزستان ۶/۴۶ درصد بود. در مقابل تنها ۴/۲۴ درصد از جمعیت قزاقستان با کمتر از ۱۰۰ روبل در ماه زندگی می‌کردند. همه کشورهای آسیای مرکزی پس از استقلال، با بحران اقتصادی شدید روبرو شدند. این بحران‌ها عبارت بودند از: نرخ تورم بالا و افت ۴۰ تا ۷۰ درصدی تولید ناخالص داخلی. تاجیکستان به شدت از نتایج جنگ داخلی پنج ساله رنج می‌برد. ازبکستان نیز اجرای اصلاحات سیاسی یا اقتصادی را به تعویق انداخت و به همین ترتیب، حداقل نوسانات کوتاه مدت را قزاقستان، قرقیزستان و ترکمنستان تجربه کردند. قزاقستان، قرقیزستان و ترکمنستان با کاهش ۴۰ تا ۵۰ درصدی تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۹۷ شرایط بد اقتصادی را پشت سر گذاشتند؛ اما روند بهبود را در پیش گرفتند. آمارهای سال ۲۰۰۶ نشان می‌دهد که به لحاظ تولید ناخالص داخلی و میزان سرانه، قزاقستان با کشورهای دیگر آسیای مرکزی فاصله دارد. افزون بر این، طلب، ضریب جینی در این کشور معادل ۳۴ می‌باشد که نشان می‌دهد میزان نابرابری در این کشور از کشور روسیه با ضریب جینی ۴۰ بسیار پایین‌تر و توزیع ثروت عادلانه‌تر است. در پایان، مؤلف، علت وجود یک جامعه مدنی نسبتاً ضعیف در قزاقستان را این‌گونه توضیح می‌دهد که بنا بر تئوری مدرن‌سازی، توسعه اقتصادی-اجتماعی در قزاقستان، شرایط را برای ایجاد یک جامعه مدنی مناسب فراهم کرده است.

عوامل تضعیف جامعه مدنی در قزاقستان

نویسنده معتقد است که در بسیاری از زمینه‌ها، قزاقستان در مقایسه با سایر کشورهای آسیای مرکزی، رکورد قابل توجهی در توسعه اقتصادی به‌ویژه از دهه ۱۹۹۰ به بعد داشته است. همچنین او معتقد است که دلیل این موفقیت نسبی ترکیبی از عوامل مختلف است؛ از یک منظر به سیاست‌گذاری شوروی در این منطقه باز می‌گردد و از منظری دیگر به اصلاحات اقتصادی مؤثر از جمله خصوصی‌سازی و تثبیت پولی و سطح بالای سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت و گاز پس از فروپاشی مربوط می‌شود.

بنا بر شواهد کنونی، رونق اخیر اقتصادی قزاقستان به تشکیل یک طبقه متوسط در حال ظهور کمک کرده است، اما برخلاف فرضیه اصلی مدرنیته کردن رونالد انگلهارت که معتقد است رفاه و امنیت به توسعه ارزش‌های فرهنگی‌ای منجر می‌شود که در نهایت به نفع پلورالیسم و دموکراسی است، اکثریت قریب به اتفاق طبقه متوسط جدید قزاقستان، به دنبال حفظ ثبات و حفظ شیوه زندگی تازه و ثروتمندانه خود هستند، تا اینکه با چالش بردن نظام سیاسی مستبدانه مواجه شد. در واقع سؤال برای مؤلف این است که چرا باوجود رونق اقتصادی و شکل‌گیری طبقه متوسط، ظهور این طبقه به تقویت جامعه مدنی در قزاقستان کمک نکرده است؟ او برای این که نشان دهد طبقات متوسط شهری در قزاقستان محافظه‌کار هستند به چند نظرسنجی در این کشور اشاره می‌کند؛

براساس نتایج نظرسنجی بانک اروپایی بازسازی و توسعه در چهار کشور قزاقستان، روسیه، ازبکستان و مغولستان می‌توان گفت که قزاق‌ها در میان این چهار کشور، دارای مردمانی محافظه‌کارتر نسبت به مغول‌ها و ازبک‌ها هستند؛ زیرا طبق نظرسنجی حدود ۵۰ درصد قزاق‌ها به حمایت از دموکراسی معتقد بودند و از سویی دیگر ۲۰ درصد قزاق‌ها از اقتدارگرایی حمایت می‌کردند. این در حالی است که ۴۰ درصد پاسخ‌دهندگان روسی حامی دموکراسی و بیش از ۳۰ درصد آنها حامی اقتدارگرایی بودند. اما از سویی دیگر در دو کشور مغولستان و ازبکستان که به لحاظ سرانه و تولید ناخالص داخلی بسیار پایین‌تر از قزاقستان قرار می‌گیرند، بیش از ۷۰ درصد مردم حامی دموکراسی و کمتر از ۳۰ درصد آن‌ها از اقتدارگرایی حمایت می‌کردند. به‌طور کلی، نظرسنجی به ما می‌گوید که مردم قزاقستان کمتر از مردم مغولستان و ازبکستان خواهان یک حکومت دموکراسی هستند و سیستم سیاسی اقتدارگرایی نزد آنها بی‌اهمیت نمی‌باشد اما آنها بیش از روسیه، خواهان دموکراسی و کمتر از روسیه، خواهان اقتدارگرایی هستند

اقتصاد رانتي

مؤلف، یکی از علل محافظه‌کار بودن قشر متوسط قزاقستان را حاکم بودن اقتصاد رانتي در این کشور می‌داند؛ او معتقد است به‌علت وجود تکنوکراسی رفاهی از درآمدهای نفتی، یک نوع ثبات سیاسی خاصی در قزاقستان اتفاق افتاده است که این ثبات سیاسی وقتی در تطبیق با سایر جمهوری‌های دیگر قرار می‌گیرد، باعث می‌شود تا قشر متوسط قزاقستان نسبت به تغییرات سیاسی خوشبین نبوده و پاسدار وضع موجود در کشورشان باشند. به‌همین دلیل باید اذعان کرد که درآمدهای نفتی به کیش شخصیت در قزاقستان دامن زده است و موجب شده که نورسلطان نظربایف سالها بر مسند قدرت تکیه زند

به‌موجب این کیش شخصیت در قزاقستان راه‌ها برای نفوذ افکار متفاوت در غالب حزب در قزاقستان مسدود شده است. نویسنده، ادامه می‌دهد که سوپر ریاست جمهوری نظربایف، نظام سیاسی قزاقستان را به یک نظام هژمونیک تک حزبی تبدیل کرده است. حزب اوتان (پدر و مادر)، که در سال ۱۹۹۹ به عنوان حزب طرفدار ریاست جمهوری ایجاد شد، در عرصه سیاسی قزاقستان بسیار موفق بوده است. در انتخابات سال ۲۰۰۴، این حزب توانست دو سوم کرسی‌های مجلس (مجلس نمایندگان) را تحت اختیار خود گیرد. حزب اوتان در کنفرانس ژوئیه ۲۰۰۶ به دستور نورسلطان نظربایف، با دو حزب دیگر طرفدار ریاست جمهوری یعنی حزب مدنی و حزب ارضی ادغام شد و نامش به نورآتان تغییر یافت. به‌این ترتیب ۹۰ درصد صندلی‌های پارلمان را به خود اختصاص داد. در انتخابات ماه اوت سال ۲۰۰۷، نورآتان تمام ۸۸ درصد کرسی‌های مجلس و ۹۸ درصد کرسی‌های انتخاباتی را که به تازگی گسترش داده شده بود، صاحب شد. به‌همین دلیل پس از تحکیم این حزب در قزاقستان عرصه بر منتقدان دولت تنگ شد و همچنین جامعه مدنی ضعیف گشت

مؤلف یکی از علل محافظه‌کار بودن قشر متوسط قزاقستان را حاکم بودن سیاست‌های طایفه‌ای در این کشور می‌داند و می‌نویسد: سازمان‌های تجاری به‌طور کلی با توسعه سرمایه داری همراه هستند، اما در قزاقستان توسعه اقتصادی موجب تشکیل یک سازمان نشده است تا بخش‌های تجاری که برای پیشبرد منافع خود همکاری می‌کنند، هماهنگ شوند. به عبارت بهتر، توسعه اقتصادی موجب نشده است تا اقتصاد این جمهوری به حالت شبکه‌ای دربیاید که این حالت شبکه‌ای بتواند نیروهای اقتصادی را در مقابل قدرت قرار دهد و با امتیازگیری از صاحبان قدرت بر سیاست‌های اقتصادی اثر بگذارد. نویسنده، علت این امر را لابی تجاری در قزاقستان می‌داند که به صورت مؤثرتر از طریق ارتباطات خویشاوندی و شخصی و تجدید نظر به سطوح بالاتری از قدرت ختم می‌شود (به‌همین دلیل، تجارت که شبکه آفرین است و موجب تقویت جامعه مدنی می‌شود در قزاقستان این کارکرد را ندارد). رهبران تجاری این کشور، همانند روسیه، به‌طور جدایی‌ناپذیر با نخبگان سیاسی مرتبط هستند. علاوه بر این، تعداد کمی از کسب و کارها از سوی سازمان‌های غیردولتی پشتیبانی می‌شوند. به اعتقاد نویسنده، پیوند عمیق ساختارهای سیاسی و اقتصادی در قزاقستان موجب ائتلاف نخبگان سیاسی و اقتصادی یا به عبارت دیگر این‌همانی عرصه اقتصادی و سیاسی شده است

به‌علاوه این سیاست طایفه‌ای در رابطه دولت با قبایل ظاهر می‌شود. ادوارد شاتز، استدلال می‌کند که سیاست‌های قبیل‌های در قزاقستان به‌طور غیرقانونی توسط پروژه بین‌المللی شوری حفظ شده است و تحت استراتژی دولت‌سازی قومی- ملی نظربایف قرار دارد. او معتقد است که نظربایف، مانند ولادیمیر پوتین در روسیه، به شدت کار کرده است تا کنترل دولت را در دست بگیرد. گروه‌های اجتماعی که ممکن است دولت ملی را تضعیف کنند؛ چه از لحاظ سیاسی، مذهبی، منطقه‌ای و نژادی از نزدیک تحت نظارت قرار می‌گیرند. این تحلیل‌گر معتقد است که دولت نظربایف عمداً به سیاست‌های قومی و قبیل‌های دامن می‌زند تا کنترل نیروهای گریز از مرکز را در اختیار داشته باشد و همین، موجب تضعیف جامعه مدنی در قزاقستان می‌شود

یکی دیگر از عواملی که مؤلف در تقویت جامعه مدنی قزاقستان به آن نظر دارد اما سیاست‌های دولت موجب شده است تا این عامل ضعیف بماند، مذهب است. مؤلف می‌نویسد: دولت برای پیشبرد خواسته‌های خود، تجدیدنظر و تغییر قرائت از دین اسلام را هدف قرار داده است. مقامات ترجیح می‌دهند همه سازمان‌های اسلامی بخشی از اداره روحانی مسلمانان قزاقستان باشند تا این اطمینان حاصل شود که فعالیت‌های مذهبی با اهداف دولت تناقضی نداشته باشد. در راستای ثبات، قانون اساسی قزاقستان تشکیل احزاب سیاسی را در کنار خطوط مذهبی یا قومی ممنوع کرده و مجازات‌های شدید برای سازمان‌های مذهبی که ممکن است درگیر فعالیت‌های تروریستی یا افراط‌گرایانه باشند، اتخاذ کرده است. سازمان "اکوردان"، نمونه‌ای از سازمانهای غیر دولتی قزاقستان است که توسط دولت در سال ۲۰۰۵ تأسیس شده است. این سازمان سعی دارد قرائت مورد نظر از اسلام را که مورد تأیید دولت نورسلطان است، ارائه دهد. به‌همین دلیل محتویات منتشر شده از این سازمان نه تنها جنبه مذهبی، بلکه جنبه وطن‌پرستانه نیز برای قزاق‌ها دارد





آمادگی چین برای ورود نظامی به جنگ



پایگاه های تروریست ها است که به خاطر کمبود نیرو برای پر کردن صحنه های درگیری به آموزش زنان و کودکان با هدف استفاده احتمالی از آنان روی آوردند. چین نیز اکنون ضمن تلاش برای وارد کردن نیروهای نظامی خود تلاش می کند تا ضمن تار و مار کردن چینی های مستقر در سوریه، مقدمات و جای پای خود را برای حضور در بازسازی این کشور از هم اکنون محکم کرده تا از بقیه رقبا در روزهای آینده در عرصه اقتصادی سوریه عقب نماند. البته پیرامون همین تصمیم مقام های پکن، دمشق نیز اعلام کرده که از هر گونه حمایت برای بیرون راندن تروریست ها از سوریه استقبال می کند پیش از این نیز همکاری های محدود نظامی بین دمشق و پکن در جریان بود و در سال ۲۰۱۵ میلادی چین شماری از نیروهای زنده و کارکنان خود را از واحدهای برهاری سیبری و برهاری شب به سوریه اعزام و آنان در لاذقیه و درست در نزدیکی محل استقرار تروریست های ایغور مستقر شده بودند، ولی اکنون ماموریت اصلی نیروهایی که چین تصمیم دارد تا در عملیات ادلب به سوریه اعزام کند، بسیار متفاوت تر از نیروهای قبلی است و احتمالاً در این مرحله کار نیروهای سوریه بسیار آسانتر از ادلب خواهد شد، چرا که احتمالاً در یک تقسیم بندی مشخص سرنوشت تروریست های چینی در ادلب به خاطر همبازی با نیروهای چینی به آنان واگذار خواهد شد و با توجه به هدف اصلی از اعزام آنان می توان گفت، در فردای عملیات در ادلب دیگر از ایغورها خبری نخواهد بود.

داود پورصحت با اندکی تلخیص

بسرعت از منطقه فرار کرده و با رساندن خود به چین امنیت این کشور را در آینده تهدید خواهند کرد. بر اساس اخبار منتشره حدود پنج هزار نفر از تروریست های چینی بین سال های ۲۰۱۳ تا پاییز ۲۰۱۵ به ترکیه و از آنجا برای ملحق شدن به تروریست ها با همکاری سازمان امنیتی ترکیه به سوریه منتقل شده اند طی دو سال گذشته حدود یک هزار و ۵۰۰ نفر از تروریست های چینی در نبردهای مختلف در سوریه و عراق کشته شده اند و این افراد با توجه به اعتقادات خاصی که دارند، گورستان های خود را نیز از دیگران جدا کرده و اکنون باقیمانده های آنان همراه با خانواده در شمال سوریه و در شهر بیلاقی «جسر الشغور» زندگی می کنند. تا پیش از آغاز عملیات نظامیان سوریه در ادلب، چین نسبت به تحولات سوریه چندان حساسیت نداشت، ولی اکنون که زمزمه آغاز قریب الوقوع عملیات ارتش این کشور در ادلب شنیده می شود، پکن از بازگشت تروریست ها به کشورشان نگران است و روی همین اصل برای اعزام نیرو به سوریه جهت مقابله با باقیمانده تروریست ها اعلام آمادگی کرده است.

تا پیش از این همکاری های چین و سوریه در این ارتباط بیشتر امنیتی و بین دستگاه های امنیتی و اطلاعاتی دو کشور بود، ولی اکنون که نوبت ادلب رسیده است، چین تلاش دارد تا با وارد کردن نیروهای نظامی خود، پرونده آنان را به یکباره در سوریه بسته و از ورود دوباره آنان به چین جلوگیری کند. یکی دیگر از نگرانی های مقام های امنیتی چین حضور تروریست های چینی همراه با خانواده در شمال سوریه و فراگرفتن آموزش های نظامی از سوی فرزندان پسر آنان در

سفر چین در سوریه از احتمال اعزام نیروهای نظامی این کشور برای کمک به ارتش سوریه در جریان عملیات آزادسازی منطقه ادلب سخن گفت. اعزام این نیروها در راستای کمک به دولت سوریه برای غلبه کامل بر بحران هشت ساله در این کشور است که سراسر سوریه را از اسفند ماه ۱۳۸۹ تاکنون درنوردیده است و اکنون می رود که با عملیات ارتش این کشور در ادلب کار تروریست ها یکسره شود. اما در خصوص همکاری های نظامی بین سوریه و چین به خصوص در مقطع کنونی و تلاش پکن برای اعزام نیرو به این کشور باید گفت که چنین اقدامی ناشی از روابط گسترده بین دمشق پکن در ابعاد مختلف و در راستای سیاست های امنیتی چین در مقطع حاضر صورت می گیرد پیش از ورود به این بحث باید گفت که شمار زیادی از تروریست های فعال در سوریه به دنبال تنگ شدن عرصه بر آنان و برگشتن ورق ناامنی در سوریه به کشورهای خود بازگشته و برخی دیگر یا کشته و زخمی شده و یا به اسارت نیروهای نظامی ارتش سوریه در آمده اند و اکنون تروریست های بازگشته از این کشور به خاطر برخی اقدامات تروریستی به عنوان معضلی برای کشورهاشان تبدیل شده اند که نمونه اخیر آن را باید در تاجیکستان پیگیری کرد و بی دلیل نیست که برخی از کشورهای آسیای میانه در حال حاضر نگران وضعیت امنیتی خود در آینده هستند.

در چنین اوضاعی نیز چین با توجه به حضور شمار زیادی از اعضای «جنبش ترکستان شرقی» و ایغورهای ساکن در منطقه «شین جیانگ» به همراه خانواده خود در شمال سوریه و ملحق شدن آنان به گروه های تروریستی و گذراندن آموزش های نظامی مختلف، از هم اکنون بی برده که در صورت عملیات ارتش سوریه در ادلب این افراد

موساد در پس ترور دانشمند موشکی سوریه قرار دارد

به گزارش هاگرا ۲۰۴۰ به نقل از عروص شوع، یکی از مقامات ارشد یکی از آژانس های اطلاعاتی خاورمیانه روز دوشنبه به نیویورک تایمز گفت که سازمان موساد در پس ترور عزیز اسبر، یکی از مهم ترین دانشمندان موشکی سوریه قرار دارد.

بنا بر گزارش این روزنامه، اسبر که شنبه شب بر اثر انفجار یک خودروی بمب گذاری شده در شهر حماه کشته شد، دسترسی آزادی به بالاترین سطوح دولت های ایران و سوریه و رده امنیتی خود داشت. او یک واحد تولید تسلیحات فوق سری (موسوم به بخش ۴) را هدایت می کرد و سخت در تلاش بود تا یک کارخانه تسلیحاتی زیرزمینی را به جای کارخانه های که سال گذشته بر اثر حمله اسرائیل تخریب شده بود، بسازد این مقام ارشد که نخواست نامش فاش شود به نیویورک تایمز گفت که آژانس اطلاعاتی او در جریان این عملیات قرار گرفته بود.

حمله در مصیاف، یکی از مهم ترین تأسیسات توسعه تسلیحات سازمان تحقیقات ارتش سوریه، صورت گرفت. در ماه سپتامبر ۲۰۱۷، یک کارخانه تولید موشک پیشرفته در این مرکز تحقیقاتی، هدف حمله هوایی قرار گرفت و ارتش سوریه، اسرائیل را مسئول این حمله دانست.

این مقام گفت که سازمان موساد مدت ها در تعقیب اسبر بوده است. اسرائیل بر این باور بود که اسبر، بخش ۴ مرکز مطالعات و تحقیقات علمی سوریه را هدایت می کند. وی دسترسی آزادی به کاخ ریاست جمهوری در دمشق داشت و با سرلشکر قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس و سایر ایرانیان برای آغاز تولید موشک های دقیق هدایت شونده همکاری می کرد.

یکی از مقامات اطلاعاتی سوریه نیز به نیویورک تایمز گفت بر این باور است که اسرائیل به این دلیل قصد کشتن اسبر را داشته است که وی حتی پیش از سال ۲۰۱۱، نقش برجسته ای در برنامه موشکی سوریه ایفا می کرد

تجارت ۱۵ میلیارد دلاری با شرق، دلیل اهمیت باب المندب برای اسرائیل

به گزارش هاگرا ۲۰۴۰ به نقل از هآرتس، بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، هفته گذشته اعلام کرد که اگر ایران اقدام به بستن تنگه باب المندب در دریای سرخ کند، اسرائیل به ائتلافی بین المللی علیه ایران خواهد پیوست.

اورا کورن، تحلیلگر هآرتس نوشت: نتانیاهو هفته گذشته هشدار داد که "اگر ایران اقدام به بستن باب المندب کند، خود را در برابر ائتلافی بین المللی برای ممانعت از این اقدام خواهد یافت و این ائتلاف شامل اسرائیل و تمام نیروهای آن خواهد شد."

یکی از دلایل این "شاخ و شانه کشی" از سوی نتانیاهو این است که باب المندب، آبراه استراتژیک و مسیری مهم برای تجارت بین المللی است. مسیر جایگزین آن، دور زدن قاره آفریقا از طریق دریاست. حجم بزرگی از نفت کشورهای خلیج فارس از طریق این تنگه به اروپا می رسد.

در سال ۱۹۶۷، بستن تنگه تیران از سوی مصر، یکی از دلایل وقوع جنگ ۱۹۶۷ بود؛ در آن زمان اسرائیل نسبت به از دست رفتن بازدارندگی خود هراس داشت و سایر مسائل مربوط به تجارت با شرق، در قیاس با این مسئله، اهمیت چندانی نداشتند.

اگر اسرائیل به خاطر بستن تنگه باب المندب به ائتلافی بین المللی علیه ایران بپیوندد، چندین دلیل برای آن می توان برشمرد. اسرائیل می خواهد از منافع اقتصادی خود و ارتباط با شرق، عمدتاً با چین محافظت کند. اسرائیل در پیوستن به ائتلافی که حافظ مصر و عربستان سعودی باشد، دینفع است؛ چنین اقدامی احتمالاً موقعیت ژئوپلیتیک اسرائیل در خاورمیانه و روابط آن با کشورهای خلیج فارس را که از ایران هراس دارند، تقویت می کند.

به لحاظ اقتصادی، سخن از رفت و برگشت سالانه ۱۵ میلیارد دلار کالا برای اسرائیل از طریق باب المندب است. به طور خاص، بر اساس گزارش اداره مرکزی آمار اسرائیل، ارزش تجارت دریایی سال ۲۰۱۷ اسرائیل با آسیا و اقیانوسیه (استرالیا و نیوزلند) ۱۲.۳ میلیارد دلار در واردات و ۳ میلیارد دلار در صادرات بوده است.

برای مقایسه، کل تجارت کالای اسرائیل در سال گذشته بالغ بر ۱۳۰ میلیارد دلار بوده که سهم واردات، ۶۹ و سهم صادرات، ۶۱ میلیارد دلار بوده است. بر این اساس، ۱۸ درصد از کل واردات (۱۵.۵ درصد از چین) و ۵ درصد از کل صادرات اسرائیل به تنگه باب المندب وابسته است.

بستن تنگه باب المندب از سوی ایران و وقوع یک جنگ، سناریویی افراطی و بعید است. اگر هیچ دلیل دیگری وجود نداشته باشد، تنها به یک دلیل به نظر نمی رسد در این مرحله چنین اتفاقی رخ دهد: ایران به سرمایه گذاری خارجی نیاز دارد و بنابراین نفعی در ایجاد حریق که از کنترل خارج شود و دامنه ائتلافی غربی علیه آن را وسعت بخشد، ندارد.



چرا در سوریه می جنگیم؟

چرا در سوریه می جنگیم، سؤالی است که امروز ذهن اکثر جامعه ایران را به خود مشغول کرده است. نه فقط مردم کوچه و بازار، بلکه برای قشر دانشگاهی نیز این سؤال تبدیل به یک دغدغه شده است

ابهاماتی نیز در این زمینه مطرح است

۱. آیا دفاع از حرم اهل بیت، شامل تمام محدوده‌ی جغرافیایی در سوریه می‌شود؟

۲. اگر ما برای مردم سوریه بجنگیم، آیا وقتی مردم ایران دچار مشکل شوند، آن‌ها نیز برای ما قدمی برمی‌دارند؟

۳. چرا ما با روسیه در سوریه متحد هستیم ولی با آمریکا نه؟

۴. چرا تروریست‌ها را در خاک خودمان نابود نمی‌کنیم؟

۵. چرا پول مردم ایران را در سوریه خرج می‌کنید؟

این سؤالات استخراج شده از مصاحبات، تنها بخش کوچکی از ابهامات مردم ایران می‌باشد

هر یک از این سؤالات توانایی این را دارد، موضوع یک تحقیق و پژوهش باشد ولی نویسنده سعی دارد به آن‌ها تاحد توان و سواد پاسخ دهد

برای بررسی این موضوع، در ابتدا گزارشی کوتاه در مورد جنگ داخلی سوریه و خسارت‌های وارده تا به امروز ارائه می‌دهیم

جنگ داخلی سوریه که در ابتدا بصورت تظاهرات گسترده بود، در ششم بهمن ۱۳۸۹ آغاز شد که بعد از چند ماه وارد فاز نظامی شد. این

تظاهرات، برگرفته از تحولات منطقه خاورمیانه، موسوم به

بهار عربی (بیداری اسلامی) بود. علت اصلی شکل‌گیری این اعتراضات، بحران آب و خشکسالی در سوریه بود. هیچ‌کس فکرش را هم نمی‌کرد که بحران

آب بتواند باعث بروز چنین جنگ سخت و کشتارهای فبیج شود

گروه‌های مخالف دولت سوریه، به سرعت شکل گرفتند و تجهیز شدند؛

ارتش آزاد سوریه (عمدتاً از نظامیان جدا شده ارتش سوریه

بودند)، جبهه‌النصره، به سرکردگی ابومحمد جولانی (شاخه داعش در سوریه بود ولی بعد از آغاز درگیری‌ها اعلام استقلال کرد و از داعش جدا شد) و

داعش که مهمترین و ثروتمندترین گروه تروریستی حاضر در سوریه بود

خسارت‌های وارده در جنگ سوریه

گزارش‌ها و آمارهایی که تاکنون در مورد تلفات و ویرانی‌های جنگ سوریه منتشر شده است، ضد و نقیض است. ولی با توجه به تصاویر و فیلم‌هایی که

از سوریه مخابره می‌شود، می‌توان به حجم بالایی از ویرانی‌های بر

پایگاه اینترنتی روزنامه الاخبار لبنان نوشت: یکی از آخرین پژوهش‌های انجام‌شده درباره کشور سوریه، میزان خسارت‌های این کشور در طول

سالیان جنگ را ۱۱۷۰ میلیارد دلار برآورد کرده است.

پژوهش دکتر عمار یوسف، پژوهشگر اقتصادی، بیانگر آن است که بخش مسکونی و عمرانی، بیشترین خسارت را متحمل شده است؛ چرا که شمار

زیادی از شهرهای سوریه، میدان درگیری‌های شدید بوده و سوریه متحمل خسارت‌های هنگفتی در زیرساخت خود شده است. تعداد واحدهای

مسکونی آسیب دیده، بیش از دویلمیون و چهارصد هزار واحد می‌باشد. همچنین در این پژوهش اعلام شده که بیش از ۶۷ درصد از توان صنعتی

سوریه از بین رفته است.

بر اساس این گزارش، بخش کشاورزی، در میزان خسارت وارده، در جایگاه سوم قرار دارد؛ زیرا سوریه از یک کشور صادرکننده محصولات کشاورزی

و خودکفابه واردکننده چندین محصول اساسی کشاورزی تبدیل شده است. طبق این پژوهش، بخش کشاورزی، مبلغ ۶۴ میلیارد دلار

خسارت دیده است. همچنین ۴ میلیارد دلار خسارت حیوانی نیز به این میزان اضافه می‌شود.

نویسنده، با ذکر این موضوع که سوریه در زمینه گردشگری در گذشته هم اهمال کرده است، می‌نویسد: بر اساس پژوهش یوسف، ویرانی شمار زیادی

از هتل‌ها و آثار باستانی مهم، به شکل بی‌سابقه‌ای به گردشگری سوریه ضربه زد و خسارت‌های این بخش ۲۸ میلیارد دلار برآورد می‌شود

بر اساس این پژوهش، خسارت ناشی از مهاجرت در سوریه ۴۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

نویسنده به نقل از این پژوهش، ادامه می‌دهد تأثیر جنگ بر زندگی شهروندان سوری که ۸۹ درصد آنان زیر خط فقر شدید زندگی می‌کنند،

جنبه خطرناک‌تری از جنگ را منعکس می‌کند، به طوری که نسبت درآمد بیشتر شهروندان، کمتر از ۲۰ درصد میزان درآمد آن‌ها قبل از جنگ است.

این واقعیت، نشان‌دهنده آن است که برای بازگشت زندگی شهروندان سوری به شرایط پیش از جنگ، باید حقوق آنان را به میزان هشت‌برابر

افزایش داد.

همچنین، سازمان ملل متحد، برآورد کرده است که سوریه برای بازسازی، نیاز به ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیارد دلار دارد. این رقم حدود ۱۰ برابر تولید ناخالص

داخلی سوریه است.

با توجه به گزارش‌های ارائه شده در مورد جنگ سوریه و ویرانی‌هایی که به بار آورده است، اکنون به بررسی سؤالاتی که در ابتدای یادداشت مطرح

شده بود، می‌پردازیم

۱. آیا دفاع از حرم اهل بیت، شامل تمام محدوده‌ی جغرافیایی سوریه می‌شود؟

حرم حضرت زینب (س) در شهرک زینبیه در نزدیکی دمشق، پایتخت فعلی کشور سوریه، قرار دارد. علمای قدیم از این مکان (شهرک زینبیه) به

"عوطه" یا "راویه" تعبیر کرده‌اند. حمله به زینبیه در روز ۲۸ تیر ماه

۱۳۹۲ روی داد. مسئولیت حمله را تروریست‌های جبهه‌النصره برعهده

گرفتند. هدف اصلی آنان نیش قبر حضرت بود. مدافعان حرم در

مصاحباتی که داشتند، اعلام کردند که در روزهایی که حرم در محاصره تکفیری‌ها قرار داشت، تعداد ما ۳۰۰ نفر بود ولی آن‌ها بیش از هزار نفر

بودند. تروریست‌ها بر روی دیوارهای حرم حضرت نوشته بودند: «ای

زینب، با رفتن بشار تو هم خواهی رفت.» بعد از درگیری‌های فراوان و با شجاعت و دلآوری رزمندگان لشکر فاطمیون، اطراف حرم پاکسازی شد.

ولی تهدید همچنان باقی است. زمانی امنیت حرم صدرصد مورد تأیید

است که تمام مناطق سوریه پاکسازی شده باشد. به همین دلیل شاهد حضور نیروهای مدافع حرم در سراسر سوریه، برای مقابله با تکفیری‌های

جنايتكار هستيم.

۲. اگر ما برای مردم سوریه بجنگیم، آیا وقتی مردم ایران دچار مشکل شوند، آن‌ها نیز برای ما قدمی برمی‌دارند؟

سوریه در زمان هشت سال دفاع مقدس، دولت ایران را تنها نگذاشت.

آموزش‌های مقدماتی برای پرتاب موشک، توسط مهندسان سوری به تیم ایرانی داده شد. ما نباید این کمک‌ها را فراموش کنیم. اگر این آموزش‌ها

نبود، ما نمی‌توانستیم در برابر حملات موشکی رژیم بعث دوام بیاوریم

از طرفی، حفظ سوریه برای محور مقاومت اهمیت بالایی دارد. سوریه از موقعیت استراتژیک بالایی برخوردار است. اگر حزب‌الله لبنان با رژیم

صهیونیستی وارد جنگ شود و از جانب سوریه مورد حمایت قرار نگیرد، به شدت آسیب‌پذیر می‌شود؛ چرا که تنها راه زمینی برای ارسال تجهیزات به

لبنان از طریق سوریه می‌باشد. به گزارش گروه بین‌الملل خبرگزاری

تسنیم به نقل از اندیشکده رند، کارشناس مسائل ایران در این

اندیشکده، مدعی است که نقش ارتباطی سوریه میان ایران و حزب‌الله، ایجاد موازنه قدرت در منطقه و جلوگیری از پیشبرد منافع آمریکا و اسرائیل در

منطقه مهمترین عواملی است که ایران را به حمایت از این کشور و

می‌دارد. سعودی‌ها نیز بارها تلاش کردند، دولت بشار را متقاعد کنند تا دست از ایران و حزب‌الله بکشد ولی دولت سوریه قبول نکرده است

سید حسن نصرالله، اعلام کرد که عربستان با سوریه مذاکراتی داشته است مبنی بر دور شدن دمشق از ایران و حزب‌الله، در ازای برخورداری از

"کمک‌های چندصد میلیون دلاری"

این اولین پیشنهادی نیست که توسط سعودی‌ها مطرح می‌شود. آل سعود، به نمایندگی از رژیم صهیونیستی و آمریکا بارها تلاش کرده است، به

روش‌های مختلف، سوریه را از هم‌پیمانی با ایران خارج کند و تاکنون موفق نشده است

جنگ داخلی امروز سوریه، به دلیل مقاومت آنان در برابر خواسته‌های

ظالمانه دشمنان می‌باشد. اگر دولت سوریه، دست از حمایت ایران

می‌کشید، این جنگ خیلی زود به اتمام می‌رسید ولی دولت و ملت سوریه بر سر عهد و پیمان خود باقی ماندند.

۳. چرا ما با روسیه در سوریه متحد هستیم ولی با آمریکا نه؟

حضور روسیه در سوریه، به درخواست دولت رسمی مستقر در دمشق صورت پذیرفت. به گزارش پایگاه خبری شبکه العالم، ۲۵ هزار نیروی

نظامی و غیر نظامی روس از سپتامبر ۲۰۱۵ تا کنون در سوریه حضور یافته‌اند.

این نخستین بار است که آمار رسمی درباره تعداد نیروهای نظامی و کارمندان غیر نظامی شرکت‌کننده در عملیات نظامی روسیه در سوریه

منتشر می‌شود.

روسیه، همچنین اعلام کرده است که چند گردان ویژه این کشور نیز در سوریه حضور دارند که وظیفه آنان، کمک به نیروی هوایی روسیه برای

تعیین اهداف جنگنده‌های این کشور است.

از آن طرف، ایالات متحده آمریکا، بدون اجازه دولت رسمی سوریه، تاکنون

۱۴ پایگاه نظامی در خاک این کشور برپا کرده است. از این تعداد، ۱۲

پایگاه در شمال و شمال شرق و دو پایگاه در جنوب خاک سوریه قرار

دارند.

آمریکایی‌ها اثبات کرده‌اند که شریک مطمئنی نیستند. آنها قصد نابود کردن گروه‌های تروریستی را ندارند، بلکه فقط می‌خواهند آنان را کنترل

کنند. اگر ایالات متحده، واقعا قصد نابودی داعش را داشت، نفتکش‌های داعش را مورد حمله قرار می‌داد تا اقتصاد داعش فلج شود. در صورتی

که، تمام این تحرکات را زیر نظر داشتند ولی هیچ اقدامی نکردند.

متأسفانه، هنوز به آمریکا اثبات نشده است یا آنها نمی‌خواهند باور کنند که اندیشه‌ی وحشی وهابی را نمی‌شود مهار کرد. «آمریکایی‌ها، خود، داعش را

به وجود آوردند.» این اعتراف در جریان مناظرات انتخابات

ریاست‌جمهوری آمریکا صورت گرفت. این اندیشه حکم آتش را دارد که

در ۲۵ آبان ماه سال ۹۴، احمدرضا پوردستان، فرمانده نیروی زمینی ارتش ایران، با اشاره به تهدیدات داعش در آن سال، پس از انفجارهای پاریس گفت: «داعش، تهدید کرده که گزینه‌های پس از فرانسه، روسیه و ایران هستند و در این رابطه، وزیر امور خارجه عراق هم هشدار لازم را داد اما ارتش جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌کند که ترسی از این تهدیدات ندارد.»

خبرگزاری اسپوتنیک اعلام کرد

تهدیدات تروریستی علیه ایران همواره وجود داشته و طبیعتاً به دلیل ژئوپولیتیک ایران و جبهه‌گیری اسلام وهابی و القاعده‌ای علیه اسلام شیعه، این تهدیدها ادامه نیز خواهد داشت. در سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی، ایران شاهد نوع دیگری از موج تروریست بود. اما واقعه تروریستی اخیر در تهران دارای ابعادی است که باید آن را جدی گرفت؛ با بررسی تکنیک‌ها و اهداف تروریست‌ها در این حادثه می‌توان اینگونه ادعا کرد که این حادثه، توسط داعش، با همراهی گروه‌های وابسته به گروهک مجاهدین خلق و گروه‌های جدایی طلب کردستان صورت گرفته و با توجه به عدم وجود اهداف مشترک کلان میان این گروه‌ها، می‌توان نقش هماهنگ‌کننده را برای کشورهای مخالف ایران و خصوصاً عربستان سعودی در نظر گرفت. با این وجود، بسیار بعید است که شاهد تکرار حملات مشابه باشیم. اما تهدیدات به طور حتم توسط مقامات ایران جدی گرفته شده و در راستای مقابله با تکرار آن تلاش‌های گسترده‌ای نیز صورت گرفته و خواهد گرفت. با توجه به آنچه در این گزارش‌ها مطرح شد، حضور ایران در سوریه برای حفظ حاکمیت و امنیت ملی خودش است. اگر ایران در سوریه حضور نداشت، ما امروز شاهد حملات تروریستی گسترده‌تر بودیم.

۵. چرا پول مردم ایران را در سوریه خرج میکنند؟

برای پاسخ به این سؤال، باید میزان هزینه‌های جمهوری اسلامی، عربستان سعودی و ایالات متحده در سوریه را باهم مقایسه کرد. هر چند اطلاعات دقیقی در این زمینه وجود ندارد، تلاش شده است تا اعداد و ارقام مورد تأیید، در این یادداشت وارد شود:

ممکن است هر لحظه یک ویرانی عظیم به بار آورد. مثال این ویرانی‌ها، عملیات‌های تروریستی داعش در فرانسه و سایر کشورهای اروپایی می‌باشد. آمریکایی‌ها می‌خواهند، با تقویت پایگاه‌های خود در سوریه، در روند سیاسی این کشور اختلال ایجاد کنند تا بتوانند آنچه که در میدان نبرد بدست نیآورده‌اند را به این شکل جبران نمایند. جمهوری اسلامی، برای نابودی تروریست‌ها و حفظ حکومت بشار اسد به یک شریک مطمئن نیاز داشت، که سیاستمداران نظام، روسیه را انتخاب کردند. قطعاً حضور روسیه در این ماجرا، فقط برای نابودی تروریست‌ها نیست. آنها می‌دانند که اگر داعش و یا هر گروه تروریستی دیگر در سوریه قدرت بگیرد (برچاهای نفت سوریه مسلط شود، همان طور که داعش مسلط شد و توانست به ثروتمندترین گروه تروریستی جهان تبدیل شود)، مشکلات امنیتی زیادی را برای روسیه به وجود خواهد آورد. به همین دلیل می‌خواهند این تروریست‌ها را در خانه از بین ببرند تا برای ملت خود مشکلی ایجاد نشود.

۴. چرا تروریست‌ها را در خاک خودمان نابود نمی‌کنیم؟

هر عقل سلیمی می‌داند که جنگ، خسارات و ویرانی‌های جبران‌ناپذیری را به بار خواهد آورد. مردم ایران، این موضوع را با تمام وجودشان درک می‌کنند؛ چرا که خود درگیر یک جنگ هشت‌ساله بودند. جنگی که عزیزان زیادی را از این ملت جدا کرد. در ابتدای یادداشت، آماری در مورد ویرانی‌های جنگ داخلی سوریه منتشر کردم. حال، اگر این جنگ در ایران شکل می‌گرفت، این حجم از خسارات متوجه ملت ما می‌بود. بهترین راه همین است که دشمن را در خارج از خانه خود، نابود کنید؛ در غیر این صورت چندین برابر باید هزینه کرد.

تکفیری‌ها، بارها اعلام کردند که هدف اصلی آن‌ها، تهران است.

رادمهر مرادی (کارشناسی جامعه‌شناسی)

شاید قابل اتکاترین رقم، برآورد دفتر نماینده سازمان ملل در امور سوریه، استفان دی میستورا، باشد. به گفته جسی شاهین، سخنگوی این دفتر، برآورد سازمان ملل این است که ایران به طور متوسط "سالی ۶ میلیارد دلار" (معادل ۲۲ هزار میلیارد تومان با نرخ دلار بانک مرکزی) در سوریه هزینه می‌کند.

عربستان، از جمله کشورهایی است که بیشترین کمک‌های مالی را در اختیار تروریست‌های داعش قرار داده است. در همین ارتباط، پایگاه "ورلدنت دیلی" در سال ۲۰۱۴ با انتشار گزارشی جنجالی، از اعطای کمک مالی ۳۰۰ میلیون دلاری آل سعود به تروریست‌های داعش در سوریه خبر داد. «رابرت فیسک»، روزنامه‌نگار مشهور انگلیسی، در روزنامه "ایندپندنت" می‌نویسد: عربستان سعودی، با کمک‌های میلیارد دلاری خود، نقش مهمی در تشکیل گروه تروریستی داعش ایفا کرد. مقامات سعودی هم‌اکنون نیز دست از اعطای کمک‌های مالی به داعش برنداشته و همچنان از این گروه تروریستی حمایت می‌کنند.

ترامپ در توییتر نوشت: «هفته بزرگی برای زیرساخت‌ها خواهد بود. بعد از این همه حماقت برای هزینه کردن ۷ تریلیون دلار در خاورمیانه، حالا وقت این است که در کشور خودمان سرمایه‌گذاری کنیم». همانطور که دیدید، هزینه‌هایی که در سوریه صرف شده است، در برابر هزینه‌هایی که عربستان سعودی، کشورهای حاشیه خلیج فارس و ایالات متحده در سوریه صرف کرده اند، قابل مقایسه نیست. توجه داشته باشید که این هزینه‌ها، برای حفظ امنیت مردم ایران است.

جمع‌بندی

حضور ایران در سوریه، به درخواست دولت رسمی مستقر در دمشق می‌باشد. این حضور مانند ائتلاف آمریکایی نمایشی نیست. روزهای پرشکوه برای تروریست‌ها در سوریه رو به پایان است. استان‌های سوریه یکی پس از دیگری پاکسازی می‌شوند. باید توجه کرد که سوریه فقط یک بهانه است و هدف اصلی دشمن، جمهوری اسلامی است. اگر مسئولان و مردم ایران لحظه‌ای غفلت کنند، اتفاقات تلخ تر و ناگوارتر از سوریه برای ایران رخ خواهد داد. مردم ایران ثابت کردند که در تمام شرایط، پای انقلاب و نظام خود هستند و از ولایت فقیه پیروی می‌کنند. مدیران و مسئولان ارشد کشور، باید قدر این مردم را بدانند. اگر کوتاهی کنند، دشمن ضربات سنگین و جبران‌ناپذیری خواهد زد.

خطبهداری
مجله سیاسی تحلیلی دانشجویی خطبهداری

مدیر مسئول: **رادمهر مرادی**

سردبیر: **امیرحسین اشرفیان**

هیئت تحریریه:

رادمهر مرادی ، محسن رضایی ، پیمان پورناظمی ، سید رضا میررضایی ، امید هراتی

حمید رضا پورناظمی ، محمد مهدی عباسی ، علیرضا شاه محمدی ، محمد رجبی علویه ، بنیامین آخوندی

ویراستار: **سید امیرحسین موسی کاظمی**

طراحی و صفحه‌آرایی: **محمد رجبی علویه**